



---

همسر وفادار و مهربانم

«سید محمدعلی جنانی»

عمه بزرگوارم، عمه شهربانو

و همه عمه‌های خوب و مهربون، آن‌ها که فرزندان برادرشون رو  
از جان و دل دوست دارند و با دیدنشون بسیار ذوق می‌کنند.

---

«علی جعفری‌ندوشن»

## مقدمه ناشر

### ماجرای من و عربی ۲

سکوت را می‌پذیرم  
اگر بدانم روزی با تو سخن خواهم گفت  
تیره‌بختی را می‌پذیرم  
اگر بدانم روزی چشم‌های تو را خواهم سرود  
مرگ را می‌پذیرم  
اگر بدانم روزی تو خواهی فهمید که دوستت دارم!

این‌که کتاب آسمانی ما به زبان عربیه و ما به عنوان مسلمان حداقل باید عربی رو در حد فهم قرآن بلد باشیم، اظهر من الشمسه. اما یک چیز باحال دیگه‌ای هم هست که فقط نصیب کسانی می‌شه که به زبان عربی مسلط‌ترن و اون لذت‌بردن از ادبیات غنی و پر از احساس عربیه. حتی خیلی از ابیات شاعران خودمون (مثل حافظ، سعدی و ...) هم به زبان عربیه. با این مقدمه می‌خوام سؤال مهمی رو مطرح کنم. به نظرتون آیا مردمی که چنین ادبیات اصیل و نابی دارن می‌تونن بدجنس و ظالم و ... باشن؟ و آیا فکر نمی‌کنید که این حسی که بعضی از ما نسبت به اعراب<sup>۲</sup> و به دنبال اون نسبت به زبان عربی داریم بیشتر یک سوءتفاهمه؟ جا داره بیشتر فکر کنیم - تا بعد!

از ته ته قلبم ممنونم از همه کسانی که برای این کتاب زحمت کشیدن، به ویژه مؤلفان توانمند عربی آقایان سید محمدعلی جنانی و علی جعفری ندوشن و در واحد تألیف: خانم‌ها زهرا جالینوسی، سیده مریم طاهری و آقای مهدی هاشمی و بقیه بروبچه‌های کاردرست خیلی سبز در واحد تولید.

۱- ترجمه شعری از شاعر و عارف عرب‌زبان، جبران خلیل جبران

۲- منظور من از اعراب، مردم عرب‌زبان، نه دولت‌های عرب که اصلن راجع به دولت‌ها بحث و نظری ندارم.

# مقدمه مؤلفان

## «به نام آن که جان را فکرت آموخت»

خداوند متان را سپاسگزاریم که به ما توفیقی دوباره عطا فرمود تا در حدّ توان به آینده‌سازان این مرز و بوم خدمت کنیم. کتابی که پیش روی شماست، حاصل تلاش بی‌وقفه ما و همکاران تلاشگرمان در انتشارات خیلی‌سبز است. این کتاب که با هدف تسهیل در امر آموزش عربی پایه یازدهم به رشته تحریر درآمده است در حقیقت ویرایشی جدید از کتاب قبلی با کلی تغییرات و اضافات مفید است؛ به همین منظور در بیان مطالب، همه تلاش خود را به کار گرفته‌ایم تا در عین سادگی و روانی، هیچ نکته‌ای از نکات کتاب ناگفته نماند و همه دانش‌آموزان عزیز به راحتی بتوانند با خواندن این کتاب، خود را به طور کامل برای آزمون‌های مختلف (میان‌ترم، پایان‌ترم و ...) آماده کنند.

اما ویژگی‌های این کتاب:

مروری جامع بر قواعد عربی دهم به همراه نکات ترجمه‌ای آن.

۱- درس‌نامه‌هایی جامع، دقیق و روان، همراه با نکات مورد نیاز

۲- ارائه واژه‌نامه هر درس واژگان مترادف، متضاد و جمع‌های مکسر، قبل از متن درس

۳- ترجمه واژه به واژه متن دروس به همراه ترجمه روان آن‌ها

۴- بیان نقش‌های مهم کلمات متن هر درس (المحلّ الإعرابی)، نوع فعل‌ها و اسم‌های مهم و نیز اشاره به نکات ترجمه‌ای مورد نیاز

۵- پاسخ تشریحی و کامل همه تمرین‌ها و سؤالات هر درس

۶- نمونه سؤالات امتحانی «تألیفی» و برگرفته از امتحانات مدارس کشور) به صورت درس‌به‌درس و همراه با پاسخ تشریحی

۷- خلاصه جامع درس‌نامه‌ها + ضمیمه (چگونگی ساخت فعل‌های پُرکاربرد فارسی مورد نیاز در ترجمه‌های عربی به فارسی)

۸- لغت‌نامه

۹- مشاوره شب امتحان به همراه بارم‌بندی کلی سؤالات

۱۰- ارائه ۶ نمونه امتحان به همراه پاسخ‌های تشریحی (۲ نمونه امتحان نیم‌سال اول + ۲ نمونه امتحان نیم‌سال دوم + ۲ آزمون صبح

و عصر نهایی خرداد ۱۴۰۲)

در پایان از همه دوستان و عزیزانی که برای این کتاب شبانه‌روز زحمت کشیدند تا این کتاب با بهترین کیفیت به دستتان برسد، صمیمانه سپاس‌گزاریم:

از آقایان دکتر ابودر و کمیل نصری؛ مدیران کاردان و خوش‌فکر انتشارات خیلی‌سبز

و در واحد تألیف، از آقای مهندس هاشمی بزرگوار، مدیر محترم تألیف و خانم‌ها زهرا جالینوسی، سیده مریم طاهری و انسیه‌سادات میرجعفری؛ و سایر همکاران در واحد تولید.

منتظر نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما هستیم.

سید محمدعلی جنانی

علی جعفری‌ندوشن

# فهرست

## مرور قواعد

۷



ترجمه درس: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ ۲۶  
 تمارين درس اول ۳۰  
 سؤال‌های امتحانی ۳۲  
 پاسخ سؤال‌های امتحانی ۳۷

### الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

قواعد: اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ / اسم تفضیل و اسم مکان ۱۹  
 واژگان ۲۴

۴۵

ترجمه درس: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

۴۹

تمارين درس دوم

۵۲

سؤال‌های امتحانی

۵۷

پاسخ سؤال‌های امتحانی

### الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

قواعد: اَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ اَدَوَاتُهُ / اسلوب شرط و ادوات آن ۴۱  
 واژگان ۴۳



ترجمه درس: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ ۶۶  
 تمارين درس سوم ۷۱  
 سؤال‌های امتحانی ۷۴  
 پاسخ سؤال‌های امتحانی ۸۰

### الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

قواعد: اَلْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ / معرفه و نكره ۶۱  
 واژگان ۶۴

۸۸

ترجمه درس: آدَابُ الْكَلَامِ

۹۱

تمارين درس چهارم

۹۴

سؤال‌های امتحانی

۱۰۰

پاسخ سؤال‌های امتحانی

### الدَّرْسُ الرَّابِعُ: آدَابُ الْكَلَامِ

قواعد: اَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ / جمله بعد از اسم نكره ۸۴  
 واژگان ۸۶



ترجمه درس: اَلْكَذْبُ ۱۰۷  
 تمارين درس پنجم ۱۱۲  
 سؤال‌های امتحانی ۱۱۴  
 پاسخ سؤال‌های امتحانی ۱۲۰

### الدَّرْسُ الْخَامِسُ: اَلْكَذْبُ

قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱) / ترجمه ... ۱۰۴  
 واژگان ۱۰۶

۱۳۱

ترجمه درس: أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلِ

۱۳۴

تمارين درس ششم

۱۳۹

سؤال‌های امتحانی

۱۴۵

پاسخ سؤال‌های امتحانی

### الدَّرْسُ السَّادِسُ: أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلِ

قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲) / ترجمه ... ۱۲۴  
 واژگان ۱۲۹



ترجمه درس: تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ۱۵۴  
 تمارين درس هفتم ۱۵۹  
 سؤال‌های امتحانی ۱۶۲  
 پاسخ سؤال‌های امتحانی ۱۶۸

### الدَّرْسُ السَّابِعُ: تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

قواعد: مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ / معانی افعال ... ۱۵۰  
 واژگان ۱۵۳

۱۷۷

مشاوره شب امتحان

۱۷۲

آشنایی با برخی افعال فارسی

۱۷۳

خلاصه درس‌ها

شماره صفحه امتحان شماره صفحه پاسخ

۱۸۰

۱۷۸

امتحان شماره (۱): نمونه امتحان نیم‌سال اول

۱۸۴

۱۸۲

امتحان شماره (۲): نمونه امتحان نیم‌سال اول

۱۸۸

۱۸۶

امتحان شماره (۳): نمونه امتحان نیم‌سال دوم

۱۹۲

۱۹۰

امتحان شماره (۴): نمونه امتحان نیم‌سال دوم

۱۹۶

۱۹۴

امتحان شماره (۵): نمونه امتحان نیم‌سال دوم - نهایی خرداد ۱۴۰۲ (نوبت صبح)

۲۰۰

۱۹۷

امتحان شماره (۶): نمونه امتحان نیم‌سال دوم - نهایی خرداد ۱۴۰۲ (نوبت عصر)

# مرور قواعد

## مروری بر مهم ترین قواعد عربی متوسطه اول

### اسم از نظر جنس

در عربی هر اسمی جنسیت دارد، یعنی یا «مذکر» است یا «مؤنث». اسم‌های مذکر معمولاً علامتی ندارند، ولی اسم‌های مؤنث علامت دارند و پرکاربردترین آن، داشتن «ة، ة» در آخر اسم است.

**مثال:** طالب ← مذکر / طالِبَة ← مؤنث

### اسم از نظر تعداد

در عربی اسم‌ها از نظر تعداد به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می‌کند و هیچ علامتی ندارد.

**مثال:** رَجُل / مرد / طالِبَة: دانش آموز

۲) **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و با افزودن علامت‌های «ان» یا «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

**مثال:** رَجُلان / رَجُلَین (دو مرد)

۳) **جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و خود به دو دسته «سالم» و «مکسر» تقسیم می‌شود:

الف) **جمع سالم**

۱- جمع سالم مذکر (جمع مذکر سالم): این جمع با افزودن علامت‌های «ون» یا «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

**مثال:** مُعَلِّم ← مُعَلِّمون / مُعَلِّمَین (معلم‌ها)

۲- جمع سالم مؤنث (جمع مؤنث سالم): این جمع با افزودن «ات» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

**مثال:** مُعَلِّمَة ← مُعَلِّمات (معلم‌ها) / سَلال ← سَلالات (آبشارها)

ب) **جمع مکسر (شکسته):** در این نوع از جمع‌ها، شکل مفرد کلمه، «شکسته» شده و تغییر می‌کند. این نوع از جمع‌ها علامت خاصی ندارند و باید حفظ شوند.

**مثال:** تَلْمِید ← تَلْمِید (دانش‌آموزان) / عِبرَة ← عِبر (پندها)

### نکته

برخی اسم‌ها با این که آخرشان «ات» دارد، جمع مؤنث سالم نیستند، بلکه «جمع مکسر» می‌باشند.

**مثال:** آیات مفرد ← بیئت مفرد / أصوات مفرد ← صؤت مفرد / أوقات مفرد ← وقت / أموات مفرد ← مِیت، مِیت

### اسم‌های اشاره

این اسم‌ها برای اشاره کردن به کسی یا چیزی به کار می‌روند و به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱) اشاره به نزدیک ۲) اشاره به دور. در جدول مقابل با اسم‌های اشاره و معنای آن‌ها آشنا می‌شوید:

| جمع            | مثنی          | مفرد |      |                |
|----------------|---------------|------|------|----------------|
| هؤلاء          | هذان - هذین   | هذا  | مذکر | اشاره به نزدیک |
| هؤلاء          | هاتان - هاتین | هذه  | مؤنث |                |
| این‌ها (اینان) | این دو        | این  | معنا |                |
|                |               |      |      | اشاره به دور   |
|                | -             | ذلك  | مذکر |                |
|                | -             | تلك  | مؤنث |                |
| آن‌ها (آنان)   | -             | آن   | معنا |                |

**نکته**

- ۱ دو واژه «هنا: این جا» و «هناك: آن جا» نیز از اسم‌های اشاره به شمار می‌روند. با این تفاوت که این اسم‌های اشاره، مخصوص اشاره به «مکان» هستند. واژه «هنا» برای اشاره به «نزدیک» و واژه «هناك» برای اشاره به «دور» به کار می‌رود.
- ۲ هرگاه کلمه پس از اسم اشاره، «ال» نداشته باشد، اسم اشاره طبق صیغه خود ترجمه می‌شود؛ یعنی اگر مفرد است، به صورت مفرد، اگر مثنی است، به صورت مثنی و اگر جمع است، به صورت جمع ترجمه می‌شود. دقت کنید که اسم‌های مثنی را در فارسی می‌توان به صورت جمع نیز ترجمه کرد، زیرا در فارسی اسم یا مفرد است یا جمع!

**مثال** هُوَلاءِ طَلَّابٍ: این‌ها دانش‌آموز هستند.

اما اگر کلمه پس از اسم اشاره «ال» داشته باشد، اسم اشاره همواره به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

**مثال** هُوَلاءِ الطَّلَّابِ ...: این دانش‌آموزان ...

**ضمیر**

کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری کند. در عربی ضمیر ۱۴ صیغه (ساخت) دارند و به دو دسته کلی «مُتَفَصِّل: جدا» و «مُتَّصِل: چسبیده» تقسیم می‌شوند.  
در جدول زیر با این دو نوع ضمیر و ترجمه آن‌ها آشنا می‌شویم:

| ضمیر                   |          |      |               |            |        |                             |
|------------------------|----------|------|---------------|------------|--------|-----------------------------|
| ترجمه فارسی            | مُتَّصِل |      | ترجمه فارسی   | مُتَفَصِّل |        | شخص                         |
|                        | مؤنث     | مذکر |               | مؤنث       | مذکر   |                             |
| ـ م، ـ من              | ي        |      | من            | أنا        |        | مفرد (متکلم وحده)           |
| ـ مان، ـ ما            | نا       |      | ما            | نحنُ       |        | مثنی و جمع (متکلم مع‌الغیر) |
| ـ ت، ـ تو              | ك        | كَ   | تو            | أنتِ       | أنتَ   | مفرد                        |
| ـ تان، ـ شما (دو نفر)  | كُما     | كُما | شما (دو نفر)  | أنتُما     | أنتُما | مثنی                        |
| ـ تان، ـ شما (چند نفر) | كُنَّ    | كُهم | شما (چند نفر) | أنتُنَّ    | أنتُهم | جمع                         |
| ـ ش، ـ او              | ها       | ه    | او            | هي         | هو     | مفرد                        |
| ـ شان، ـ ایشان (دو)    | هُما     | هُما | ایشان (دو)    | هُما       | هُما   | مثنی                        |
| ـ شان، ـ ایشان (آن‌ها) | هُنَّ    | هُهم | ایشان (آن‌ها) | هُنَّ      | هُهم   | جمع                         |

**انواع فعل از نظر زمان**

۱) **فعل ماضی:** فعلی است که بر زمان «گذشته» دلالت دارد. این فعل ۱۴ صیغه (ساخت) دارد.

**مثال** جَلَسْتُ: نشستم / قُلْتُهم: گفتید

۲) **فعل مضارع:** فعلی است که بر زمان «حال» یا «آینده» دلالت دارد. برای ساختن فعل مضارع از یکی از حروف مضارعه «أَتَيْنَ» (أ، ت، ی، ن) قبل از فعل ماضی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

**مثال** جَلَسَ (نشست) مضارع جَلَسَ (می‌نشینم)، تَجَلَسَ (می‌نشیند)، نَجَلَسَ (می‌نشینیم)

**فعل مستقبل (آینده):** فعلی است که فقط بر زمان «آینده» دلالت دارد و با افزودن یکی از حروف «س» یا «سَوْفَ» پیش از «فعل مضارع» ساخته می‌شود و در ترجمه آن از «خواه + شناسه + فعل ماضی فعل مورد نظر» استفاده می‌کنیم.

**مثال** سَسَ + أَجَلَسُ = سَأَجَلَسُ: خواهیم نشست / سَوْفَ + تَقُولُونَ = سَوْفَ تَقُولُونَ: خواهید گفت

۳) **فعل امر:** فعلی است که معمولاً برای دستور، توصیه یا خواهش به کار می‌رود.

**مثال** اجلس: بنشین / قولوا: بگویید

انواع فعل در زبان فارسی «گذشته»، «حال» و «آینده» با انواع آن در زبان عربی از نظر تقسیم‌بندی اندکی تفاوت دارد. در زبان عربی، فعل «مستقبل (آینده)» و فعل «نهی»، هر دو زیرمجموعه فعل «مضارع» به شمار می‌روند.

۱- به چهار حرف «أ، ت، ی، ن»، «حروف مضارعه» گفته می‌شود، زیرا به وسیله این چهار حرف، از چهارده صیغه فعل ماضی، چهارده صیغه فعل مضارع ساخته می‌شود.



## آموزش قواعد و مفاهیم درس

### اسم تفضیل و اسم مکان

در این درس می‌خواهیم با دو اسم پُرکاربرد و مهم در زبان عربی آشنا شویم که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود: **الذَّيْبُ** اسم تفضیل **ب** اسم مکان.

### ۱- اسم تفضیل

در زبان عربی برای نشان دادن مفهوم برتری از اسمی به نام «اسم تفضیل» استفاده می‌کنیم که معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است. در زبان فارسی برای ساختن صفت «برتر» و «برترین» از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:



صفت + تر ← صفت برتر (تفضیلی)  
 صفت + ترین ← صفت برترین (عالی)

**مثال:** زیبا + تر ← زیباتر  
 زیبا + ترین ← زیباترین

### ساختار اسم تفضیل

اسم تفضیل از نظر ساختار و جنس به دو بخش تقسیم می‌شود:

**الف** اسم تفضیل مذکر (بر وزن «أَفْعَلُ») **ب** اسم تفضیل مؤنث (بر وزن «فُعْلَى»)

(فُئِب، هَلَا بَرِيم بَيْنِيم هَر بَك از این اِسْمای تَفْضِيل، پِه وِرگِی هَایِ دَارن!)

### الف) اسم تفضیل مذکر

این نوع از اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ» ساخته می‌شود و بسیار پُرکاربردتر از وزن مؤنث آن است. به مثال‌های زیر درباره مفهوم اسم تفضیل و ترجمه آن در زبان فارسی توجه کنید:

- مثال:** کبیر: بزرگ **اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ»**  
 صفت
- ۱- أَكْبَرُ: بزرگ‌تر (صفت برتر)  
 ۲- أَكْبَرُ: بزرگ‌ترین (صفت برترین)
- حَسَن:** خوب **اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ»**  
 صفت
- ۱- أَحْسَنُ: خوب‌تر (صفت برتر)  
 ۲- أَحْسَنُ: خوب‌ترین (صفت برترین)

طرح به سؤال مهم: چه پوری تشفیص بدیم که اسم تفضیل رو چه وقت به صورت «صفت برتر» و چه وقت به صورت «صفت برترین» ترجمه کنیم؟

**پاسخ:** هر وقت پس از اسم تفضیل، حرف بِرّ «مِن» را دیدیم، اسم تفضیل رو به صورت «صفت برتر» ترجمه کنیم و هر وقت پس از اون، مُشافَّ الیه دیدیم، اسم تفضیل رو به شکل «صفت برترین» ترجمه کنیم؛ یعنی:

صفت برتر (تفضیلی): **أَفْعَل + مِن + ...**

صفت برترین (عالی): **أَفْعَل + مُشافَّ الیه + ...**

حال به چند مثال و نحوه ترجمه اسم تفضیل توجه کنید:

**مثال ۱:** **أَلْفَا** **أَسِيَا** **أَكْبَرُ** **مِن** **أُورُوْبَا**: آسیا بزرگتر از اروپا است.

اسم تفضیل حرف بِرّ      صفت برتر حرف اضافه

**ب** آسیا **أَكْبَرُ** **فَارَاقِ** **العَالَمِ**: آسیا بزرگترین قاره‌های جهان است.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین

**ج** آسیا **أَكْبَرُ** **فَارَاقِ** **فِي** **العَالَمِ**: آسیا بزرگترین قاره در جهان است.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین

**مثال ۲:** **أَلْفَا** **جَبَلِ** **دَمَاوَنْدِ** **أَعْلَى** **مِن** **جَبَلِ** **دِنَا**: کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

اسم تفضیل حرف بِرّ      حرف اضافه صفت برتر

**ب** **جَبَلِ** **دَمَاوَنْدِ** **أَعْلَى** **جِبَالِ** **إِیران**: کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین

**ج** **جَبَلِ** **دَمَاوَنْدِ** **أَعْلَى** **جَبَلِ** **فِي** **إِیران**: کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین

**مثال ۳:** **أَفْضَلُ** **النَّاسِ** **أَنْفَعُهُمْ** **لِلنَّاسِ**: بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین      صفت برترین

**مثال ۴:** **هَذَا** **أَكْبَرُ** **مِن** **ذَلِكَ**: این از آن بزرگتر است.

اسم تفضیل حرف بِرّ      صفت برتر

**مثال ۵:** **سُورَةُ** **الْبَقَرَةِ** **أَكْبَرُ** **سُورَةِ** **فِي** **الْقُرْآنِ**: سوره بقره بزرگترین سوره در قرآن است.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین

### نکته مهم

گاهی وزن اسم تفضیل «مذکر» کمی با حالت اصلی خودش (وزن «أَفْعَل») فرق می‌کند و به شکل‌های زیر به کار می‌رود:

أَحَبُّ: (۱) محبوب‌تر      (۲) محبوب‌ترین

صفت برتر      صفت برترین

أَقْلُّ: (۱) کم‌تر      (۲) کم‌ترین

صفت برتر      صفت برترین

أَهَمُّ: (۱) مهم‌تر      (۲) مهم‌ترین

صفت برتر      صفت برترین

أَعْلَى: (۱) بلندتر      (۲) بلندترین

صفت برتر      صفت برترین

أَعْلَى: (۱) گران‌تر      (۲) گران‌ترین

صفت برتر      صفت برترین

أَحْلَى: (۱) شیرین‌تر      (۲) شیرین‌ترین

صفت برتر      صفت برترین

(آله‌کی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که سه‌تای اولی، یعنی «أَعْلَى، أَعْلَى و أَعْلَى» بر وزن تغییر یافته «أَفْعَى» هستند و سه‌تای آخری، یعنی «أَقْل و أَهَم و أَهَم» بر وزن تغییر یافته «أَقْل».)

**مثال ۶:** **أَلْفَا** **أَلْتَعَسَلُ** **أَحْلَى** **مِن** **التَّمْرِ**: عسل شیرین‌تر از خرما است.

اسم تفضیل حرف بِرّ      صفت برتر

**ب** **أَلْتَعَسَلُ** **أَحْلَى** **طَعَامِ** **رَأَيْتُهُ** **حَتَّى** **الآن**: عسل شیرین‌ترین خوراکی‌ای است که تاکنون دیده‌ام.

اسم تفضیل مُشافَّ الیه      صفت برترین

۱- گاهی حرف جرّ «مِن» پس از اسم تفضیل نمی‌آید، ولی اسم تفضیل هم‌چنان به صورت «صفت برتر» (تفضیلی) ترجمه می‌شود! مثال: **الْصَّدَقُ حَسَنٌ** **وَلَكِنْ** **فِي** **الْمُؤْمِنِينَ** **أَحْسَنُ**: راستگویی خوب است، ولی در مؤمنان خوب‌تر است.

صفت برتر

اسم تفضیل



## جمع اسم تفضیل (مذکر)

غالباً جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» بر وزن «أَفْعَال» می آید؛ مانند:

أَكْبَرُ جمع / أَكْبَرُ / أَفْضَلُ جمع / أَفْضَلُ / أَحْسَنُ جمع / أَحْسَنُ / أَعْظَمُ جمع / أَعْظَمُ / أَرْذَلُ جمع / أَرْذَلُ

**مثال:** إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ. [«أَرَاذِلُ» جمع «أَرْذَلُ»، و «أَفْضَالُ» جمع «أَفْضَلُ» است.]

«هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند (به فرمانروایی برسند)، شایستگان نابود می شوند.»

### ب) اسم تفضیل مؤنث

مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می آید؛ مانند:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر) / زَيْنَبُ الصَّغْرَى (زینب کوچک‌تر) / مَرْيَمُ الْفُضْلَى (مریم فاضل‌تر)

مؤنث مؤنث مؤنث مؤنث مؤنث مؤنث

| مؤنث<br>(بر وزن «فَعْلَى») | مذکر<br>(بر وزن «أَفْعَل») | اسم تفضیل |
|----------------------------|----------------------------|-----------|
| كُبْرَى                    | أَكْبَرُ                   |           |
| صَّغْرَى                   | أَصْغَرُ                   |           |
| حُسْنَى                    | أَحْسَنُ                   |           |

❗ بر نیست بدونین که اسم تفضیل در حالت مقایسه بین «دو اسم مؤنث» معمولاً بر همون وزن مذکر «أَفْعَل» میاد؛ یعنی:

اسم مؤنث + أَفْعَل + مِین + اسم مؤنث  
اسم تفضیل مذکر

**مثال:** فَاطِمَةُ الْكُبْرَى مِنْ زَيْنَبِ الْبُزْجِ: فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.

اسم مؤنث اسم تفضیل مذکر اسم مؤنث

### حالات توبگو

عَيْنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ. (اسم تفضیل را در عبارات زیر مشخص کن، سپس آن را ترجمه کن.)

۱- أَلْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. (ب) أَهَمُّ (مهم‌ترین)

ترجمه عبارت: غیبت از مهم‌ترین علتهای قطع ارتباط میان مردم است.

۲- قَارَةٌ أَسِيَا أَكْبَرُ مِنْ قَارَةِ أُوْرُوْبَا. (ب) أَكْبَرُ (بزرگ‌تر)

ترجمه عبارت: قاره آسیا از قاره اروپا بزرگ‌تر است.

۳- أَقْرَبُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ أَتْقَاهُمْ. (ب) أَقْرَبُ (نزدیک‌ترین) / أَتْقَى (پرهیزگارترین) [أَتْقَاهُمْ = أَتَّقَى + هُمْ]

ترجمه عبارت: نزدیک‌ترین مردم به خداوند، پرهیزگارترین آن‌هاست.

۴- أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ، أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ. (ب) أَنْفَعُ (سودمندترین) / أَحَبُّ (دوست‌داشتنی‌ترین)

ترجمه عبارت: سودمندترین مردم برای مردم، دوست‌داشتنی‌ترین آن‌ها نزد خداست.

۵- أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. (ب) أَكْبَرُ (بزرگ‌ترین)

ترجمه عبارت: بزرگ‌ترین عیب آن است که از چیزی عیب بگیری که مانند آن در خودت هست.

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرَجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (احادیث زیر را ترجمه کن، سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار بده.)

۱- سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

اسم تفضیل اسم تفضیل

(ب) از رسول خدا ﷺ پرسیده شد: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: سودمندترین مردم برای مردم است.

۲- أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (ب) [بهترین زینت مرد (انسان)، آرامش همراه با ایمان است.]

اسم تفضیل

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (ب) [بهترین کارها، کسب [روزی] از حلال است.]

اسم تفضیل

## «خَيْرٌ» و «شَرٌّ»

دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» که معمولاً به معنی «خوب، خوبی» و «بد، بدی» به کار می‌روند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل هم به کار روند؛ در این صورت، اگر به معنای «صفت برتر» به کار روند («خوب‌تر» / «بدتر») معمولاً پس از آن، حرف جرّ «مِنْ» می‌آید، و اگر به معنای «صفت برترین» به کار روند («خوب‌ترین» / «بدترین») معمولاً به صورت «مضاف» می‌آید. (پس از آن، همواره مضاف‌الیه داریم.)

**مثال:** **مِنْ خَيْرٍ** **مِنْ خَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ:** الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 اسم تفضیل حرف جرّ      اسم تفضیل حرف جرّ

بهتر از خوبی، انجام‌دهنده‌اش است، و زیباتر از زیبا، گوینده‌اش می‌باشد.

**ب شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.** أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 مضاف مضاف‌الیه  
 (اسم تفضیل)

**بدترین** مردم کسی است که به امانت اعتقاد (باور) ندارد و از خیانت دوری نمی‌کند.  
 مضاف مضاف‌الیه

**ج خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.** أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ **كَارَهَا** **بِهَيْرِينَ** **كَارَهَا** **مِيَانَةَ** **تَرِينِ** **أَنْ هَا** **اَسْت.**  
 مضاف مضاف‌الیه      مضاف مضاف‌الیه

**د حَيٌّ عَلَى خَيْرٍ الْعَمَلِ.** **بِهَيْرِينَ** **كَار** **بَشْتَاب.**  
 مضاف مضاف‌الیه      مضاف مضاف‌الیه  
 (اسم تفضیل)

### نکته

رنگ‌هایی که بر وزن «أَفْعَلٌ» هستند، چون مؤنث آن‌ها بر وزن «فُعْلَى» نیست (بر وزن «فَعْلَاءٌ» است)، اسم تفضیل به شمار نمی‌روند؛ مانند: أَيْبُضٌ (سفید)، أَرْزَقٌ (آبی)، أَحْمَرٌ (قرمز، سرخ)، أَسْوَدٌ (سیاه، مشکی)، أَخْضَرٌ (سبز)، أَضْفَرٌ (زرد) و ...

### اِخْتِيَزْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

۱- ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ اِزْهِنَا وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّاجِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹ [اغْفِرْ: بیامرز (فعل امر) / اِزْهِنْ: رحم کن (فعل امر)]  
 اسم تفضیل

۲- «پروردگارا، [ما] ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی.»

۲- **خَيْرٌ** **إِخْوَانِكُمْ** **مَنْ أَهْدَى** **إِلَيْكُمْ** **غُيُوبَكُمْ.** رَسُولُ اللَّهِ ﷺ **بِهَيْرِينَ** **بِرَادِرَاتَانِ** **كَسَى** **اَسْت** **كِه** **عِيْبَهَا** **بِتَانِ** **رَا** **بِه** **شَمَا** **هَدِيَه** **مِي** **كِنْد.**  
 اسم تفضیل

۳- ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدْر: ۳ **بِهَيْرِينَ** **اَسْت** **كِه** **هَزَارِ** **مَاهِ** **بِهَيْرِ** **اَسْت.**  
 اسم تفضیل

۴- **مَنْ غَلَبَتْ** **شَهْوَتُهُ** **عَقْلَهُ** **فَهُوَ** **شَرٌّ** **مِنَ** **الْبَهَائِمِ.** أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 اسم تفضیل

۴- هر کس شهوتش (هوای نفسش) بر خردش چیره شود، او از چهارپایان بدتر است.

۵- **شَرُّ** **النَّاسِ** **ذُو** **الْوَجْهَيْنِ.** **بِهَيْرِينَ** **بِدَرْتَرِينِ** **مَرْدَمِ،** [انسان] **دورو** **اَسْت.**  
 اسم تفضیل

### ۲- اسم مکان

اسم مکان همان‌طور که از اسمش مشخص است بر «مکان» دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» به کار می‌رود؛ مانند: «مَسْبِجٌ: استخر»، «مَسْجِدٌ: مسجد»، «مَحْكَمَةٌ: دادگاه»، «مَوْقِفٌ: ایستگاه».

### نکته مهم

برای این‌که یک اسم را «اسم مکان» به شمار آوریم، تنها معنای مکان داشتن یک اسم کافی نیست و باید آن اسم حتماً یکی از سه وزن «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» را داشته باشد.

بنابراین، کلماتی مانند «بَيْتٌ: خانه»، «سَاحَةٌ: حیاط، میدان»، «حَدِيقَةٌ: باغ» و مانند این اسم‌ها را نمی‌توان «اسم مکان» در نظر گرفت، چون بر یکی از سه وزن گفته شده نیستند، هرچند معنای مکان داشته باشند.

## اسم‌ها چگونه بسته می‌شوند؟

| ردیف | اسم مکان  | وزن       | ترجمه               | جمع        |
|------|-----------|-----------|---------------------|------------|
| ۱    | مَلْعَب   | مَفْعَل   | ورزشگاه (زمین بازی) | مَلَاعِب   |
| ۲    | مَطْعَم   | مَفْعَل   | رستوران             | مَطَاعِم   |
| ۳    | مَصْنَع   | مَفْعَل   | کارخانه             | مَصَانِع   |
| ۴    | مَطْبَخ   | مَفْعَل   | آشپزخانه            | مَطْبَخ    |
| ۵    | مَنْزِل   | مَفْعَل   | منزل، خانه          | مَنْازِل   |
| ۶    | مَكْتَبَة | مَفْعَلَة | کتابخانه            | مَكَاتِب   |
| ۷    | مَطْبَعَة | مَفْعَلَة | چاپخانه             | مَطَابِع   |
| ۸    | مَخْزَن   | مَفْعَل   | انبار               | مَخَارِزِن |
| ۹    | مَتْجَر   | مَفْعَل   | فروشگاه، مغازه      | مَتَاجِر   |
| ۱۰   | مَدْرَسَة | مَفْعَلَة | مدرسه               | مَدَارِس   |
| ۱۱   | مَدْخَنَة | مَفْعَلَة | دودکش               | مَدَاخِن   |
| ۱۲   | مَزْرَعَة | مَفْعَلَة | مزرعه، کشتزار       | مَزَارِع   |
| ۱۳   | مَشْرِق   | مَفْعَل   | محل طلوع            | مَشَارِق   |

اسم مکان بر وزنِ «مَفْعَل» جمع بسته می‌شود؛ مانند: مَسَاجِد (جمعِ «مَسْجِد») و مَحَاكِم (جمعِ «مَحْكَمَة»).

در جدول رویه‌رو تعدادی از اسم‌های مکان آمده است. به وزن، صورت جمع و ترجمه آن‌ها توجه کنید:

### نکته

ملاک و معیار تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان همواره شکلِ «مفرد» آن واژه است؛

**مثال:** طَلَّاب (مفرد) ← طالب «بر وزنِ فاعِل» ← اسم فاعل      أَفْضَل (مفرد) ← أَفْضَل «بر وزنِ أَفْعَل» ← اسم تفضیل  
مَزَارِع (مفرد) ← مَزْرَعَة «بر وزنِ مَفْعَلَة» ← اسم مکان

### حالات و بگو

عَبِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ. (اسم مکان را در عبارتهای زیر مشخص کن، سپس آن را ترجمه کن.)

۱- حَصَدَ الْفَلَّاحُونَ مَحَاصِلَهُمْ فِي مَزَارِعِهِمْ. (مَزَارِع) ← مَزْرَعَة «بر وزنِ مَفْعَلَة»: کشتزارها

ترجمه عبارت: کشاورزان محصولاتشان را در کشتزارهای خود درو کردند.

۲- إِنَّ جَمِيعَ مَدَارِسِ مَدِينَتِنَا مُغْلَقَةٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. (مَدَارِس) ← مَدْرَسَة «بر وزنِ مَفْعَلَة»: مدرسه‌ها

ترجمه عبارت: روز جمعه همه مدرسه‌های شهرمان بسته (تعطیل) است.

۳- صَلَّى صَلَاةَ الْعَصْرِ فِي مَسْجِدٍ كَبِيرٍ فِي مَدِينَةِ النَّجْفِ الْأَشْرَفِ. (مَسْجِدٍ) ← مَسْجِد: مسجدی، یک مسجد

ترجمه عبارت: نماز عصر را در یک مسجد بزرگ در شهر نجف اشرف خواندم.

۴- ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقِي الْيَوْمَ إِلَى مَلْعَبِ كُرَّةِ الْقَدَمِ لِمُشَاهَدَةِ مَبَارَاةٍ. (مَلْعَبِ) ← مَلْعَب: ورزشگاه

ترجمه عبارت: امروز با دوستم برای تماشای مسابقه‌ای به ورزشگاه فوتبال رفتم.

### اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۳ (خودت را بیازمای)

تَرَجِّمِ الْأَيْتِينَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَبِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ أَلْتَخَل: ۱۲۵

اسم تفضیل      اسم مکان

«... و با آنان به [شیوه‌ای] که بهتر است بحث کن (به بحث و گفت‌وگو پرداز)؛ زیرا پروردگار تو داناست که کسی که از راه او گم گشته (منحرف شده) است.»

۲- ﴿... وَ الْأَجْرَةَ حَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾ الْأَعْلَى: ۱۷ «حال آن‌که آخرت بهتر و پایدارتر است.»

اسم تفضیل      اسم مکان

۳- كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی سابور» فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَتَيْ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم تفضیل      اسم مکان

کتابخانه «جندی شاپور» در خوزستان، بزرگ‌ترین کتابخانه در دنیای قدیم (جهان باستان) بود.

## واژگان

## فعل

|   |  |
|---|--|
| تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)                              | إِتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي)<br>«إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید»              |
| حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِيم)    | إِعْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَعْتَابُ / مصدر: إِعْتَابُ)<br>«لَا يَعْتَبُ: نباید غیبت کند» |
| سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسَخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَّة)           | أَنْ يَكُنَّ: که باشند (ماضی: كَانَ / مضارع: يَكُونُ)                                      |
| عَابَ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ / مصدر: عَيْب)         | أَنْ يَكُونُوا: که باشند (ماضی: كَانَ / مضارع: يَكُونُ)                                    |
| عَسَى: شاید = زُبْمَا   | بِئْسَ: بد است   |
| كَرِهَ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ / امر: إِكْرَهُ / مصدر: كِرَاهَةٌ) | تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ / امر: تُبْ / مصدر: تَوْبَةٌ)                              |
| لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يَلْقَبُ / امر: لَقِّبْ)                       | «لَمْ يَتَّبْ: توبه نکرد»  |
| لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)                                      |  |

## اسم

|   |   |
|---|---|
| خَفِيَ: پنهان = ظاهر  | إِثْمٌ: گناه = ذَنْبٌ   |
| عُجِبَ: خودپسندی  | إِسْتَهْزَأَ بِ (مصدر): ریشخند کردن (ماضی: اسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ) |
| فُسِقَ (مصدر): آلوده شدن به گناه                              | بَغَضٌ ... بَغَضٌ: یکدیگر   |
| فَضَحَ (مصدر): رسوا کردن                                      | تَسْمِيَّةَ (مصدر): نام‌دادن، نامیدن (ماضی: سَمَى / مضارع: يُسَمِّي)          |
| كَبَّأَ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»                        | تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ (مصدر): به یکدیگر لقب‌های زشت دادن                   |
| لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ»                                   | (ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: يَتَنَابَزُ)  |
| مَيِّتٌ: مُرْدَةٌ = مَيِّتٌ «جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» = حَيٌّ | تَوَابٌ: (۱) (برای خداوند) بسیار توبه‌پذیر (۲) (برای انسان) بسیار توبه‌کننده  |
|   | تَوَاضَلَ (مصدر): ارتباط (ماضی: تَوَاضَلَ / مضارع: يَتَوَاضَلُ)               |

## حرف

قَدْ: (بر سر «فعل مضارع») گاهی، شاید «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» / (بر سر «فعل ماضی») برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل «ماضی نقلی» است. «قَدْ كَتَبَ: نوشته است»

## واژگان درس نامه، حوار و تمارین

## فعل

|                   |                              |
|-------------------|------------------------------|
| أَهْدَى: هدیه کرد | جَادَلَ: بحث کن              |
| عَذَّبَ: عذاب داد | حَسَّنَتْ: نیکو گردانیدی     |
| عَلَبَتْ: چیره شد | حَيٌّ: بشتاب                 |
| سَاءَ: بد شد      | سُئِلَ ...: از ... پرسیده شد |
|                   | ضَلَّ: گمراه شد              |

## اسم

|                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| السَّكِينَةُ: آرامش            | تَخْفِيفٌ: تخفیف             |
| مَنْجَرٌ: مغازه                | الرَّجُلُ: (۱) انسان (۲) مرد |
| مِيزَانٌ: ترازو (ترازوی اعمال) | زَمِيلٌ: همکار               |
| نَوْعِيَّةٌ: جنس               | بِعْرٌ: قیمت                 |

|                      |                         |                     |                    |               |                   |                  |                       |               |                 |               |            |
|----------------------|-------------------------|---------------------|--------------------|---------------|-------------------|------------------|-----------------------|---------------|-----------------|---------------|------------|
| الرَّجُلُ            | انسان                   | الْمَرْءُ           | انسان              | حَيٌّ         | بشتاب             | عَجَلٌ           | بشتاب                 | سَبِيلٌ       | سبیل            | طَرِيقٌ       | راه        |
| قَوْمٌ               | گروه                    | جَمَاعَةٌ           | گروه               | سَخِرَ مِنْ   | مسخره کرد         | اسْتَهْزَأَ بِـ  | ریشخند کرد، مسخره کرد | إِخْوَانٌ     | دوستان، برادران | أَصْدِقَاءٌ   | دوستان     |
| خَيْرًا مِنْ         | بهتر از                 | أَفْضَلَ مِنْ       | بهتر از            | لا تَلْمِزُوا | عیب نگیرید        | لا تَعْيِبُوا    | عیب نگیرید            | عَسَى         | شاید            | رُبَّمَا      | شاید       |
| إِنَّهُمْ            | گناه                    | ذَنْبٌ              | گناه               | اتَّقُوا      | بترسید (بپرهیزید) | خَافُوا          | بترسید                | الظَّالِمُونَ | ستمکاران        | الْجَائِرُونَ | ستمکاران   |
| رَحِيمٌ              | مهربان                  | رَوْوْفٌ            | مهربان             | عُجِبَ        | خودپسندی          | كَبِرَ           | خودپسندی، غرور        | النَّاسُ      | مردم            | السَّعْبُ     | ملت، مردم  |
| أكْبَرُ              | بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین      | أَعْظَمُ            | بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین | مِثْلٌ        | مانند             | شَبِيهٌ          | مانند                 | خَفِيَ        | پنهان           | مَسْتُورٌ     | پنهان      |
| الْقَبِيحَةُ         | زشت، بد                 | الْكُرْهِيَّةُ      | زشت، بد            | مُحَاوَلَةٌ   | تلاش              | سَعَى            | تلاش                  | الْعَمَلُ     | کار، کردار      | الْفِعْلُ     | کار، کردار |
| مَكْتَبٌ             | دین، آیین               | دین                 | دین، آیین          | اجْتَنَبُوا   | دوری کنید [از]    | ابْتَعَدُوا عَنِ | دوری کنید [از]        | أَسْرَارٌ     | رازها           | رُمُوزٌ       | رازها      |
| الْأَسْتِهْزَاءُ بِـ | ریشخند کردن، مسخره کردن | السُّخْرِيَّةُ مِنْ | مسخره کردن         | خَيْرٌ ...    | بهترین ...        | أَفْضَلُ ...     | بهترین ...            | عَنْ          | از              | مِنْ          | از         |
| الْمَيِّتُ           | مُرده                   | الْمَيِّتُ          | مُرده              |               |                   |                  |                       |               |                 |               |            |

متفاوت

|               |          |                        |           |             |                    |           |                         |              |            |              |            |
|---------------|----------|------------------------|-----------|-------------|--------------------|-----------|-------------------------|--------------|------------|--------------|------------|
| خَيْرًا مِنْ  | بهتر از  | شَرًّا مِنْ            | بدتر از   | كَثِيرًا    | بسیار              | قَلِيلًا  | کم، اندک                | حَرَمٌ       | حرام کرد   | أَحَلَّ      | حلال کرد   |
| الظَّالِمُونَ | ستمکاران | الْعَادِلُونَ          | عادلان    | أكْبَرُ     | بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین | أَصْغَرُ  | کوچک‌تر، کوچک‌ترین      | الْقَبِيحَةُ | زشت        | الْجَمِيلَةُ | زیبا       |
| خَفِيَ        | پنهان    | ظَاهِرٌ                | آشکار     | الْإِيمَانُ | ایمان              | الْكَفْرُ | کفر                     | إِنتَعَدَ    | دور شد     | إِفْتَرَبَ   | نزدیک شد   |
| نِسَاءٌ       | زنان     | رِجَالٌ                | مردان     | عُجِبَ      | خودپسندی           | تَوَاضَعٌ | فروتنی                  | خَيْرٌ ...   | بهترین ... | شَرٌّ ...    | بدترین ... |
| الْحَيُّ      | زنده     | الْمَيِّتُ، الْمَيِّتُ | مُرده     | آمَنُوا     | ایمان آوردند       | كَفَرُوا  | کفر ورزیدند (کافر شدند) | حَرَامٌ      | حرام       | حَلَالٌ      | حلال       |
| تَوَاضَعٌ     | ارتباط   | إِنْقِطَاعٌ            | بریده شدن |             |                    |           |                         |              |            |              |            |

متشابه

|              |                           |               |                               |               |                         |
|--------------|---------------------------|---------------|-------------------------------|---------------|-------------------------|
| أَنْفُسٌ     | مفرد (نفس، روح، خود)      | أَسْمَاءٌ     | مفرد (اسم، اسم، نام)          | الذُّنُوبُ    | مفرد (الذنب، گناه)      |
| أَلْقَابٌ    | مفرد (لقب)                | أَسْرَارٌ     | مفرد (سِرّ، راز)              | الْأَخْلَاقُ  | مفرد (الخلق، خوی)       |
| غُيُوبٌ      | مفرد (عیب، عیب)           | كِبَائِرٌ     | مفرد (كَبِيرَةٌ، بزرگ)        | أَسْبَابٌ     | مفرد (سَبَب، علت، دلیل) |
| الْأَسْعَارُ | مفرد (السعر، قیمت)        | الْفَسَاتِينُ | مفرد (الفسستان، پیراهن زنانه) | السَّرَاوِيلُ | مفرد (السروال، شلوار)   |
| الْغُيُوبُ   | مفرد (الغيب، غیب، نهان)   | الْخَطَايَا   | مفرد (الخطيئة، خطا، گناه)     | أَرَاذِلُ     | مفرد (أزذل، فرومایه)    |
| أَفْضَلُ     | مفرد (أفضل، برتر، برترین) | ذُنُوبٌ       | مفرد (ذنب، گناه)              | مَدَارِسُ     | مفرد (مدرسة، مدرسه)     |

جمع مکسر

|                              |                                |   |
|------------------------------|--------------------------------|---|
| مفرد<br>مَلْعَب (ورزشگاه)    | مفرد<br>إِخْوَان (برادر، دوست) | مفرد<br>أَمْر (کار)   |
| مفرد<br>عِبَاد (بنده)        | مفرد<br>مَنَازِل (منزل)        | مفرد<br>مَطْعَم (رستوران)                                       |
| مفرد<br>قَرَائِص (واجب دینی) | مفرد<br>مَطْبِخ (آشپزخانه)     | مفرد<br>مَضْنَع (کارخانه)                                       |
|                              | مفرد<br>مَطْبَعَة (چاپخانه)    | مفرد<br>مَكْتَبَة (کتابخانه)<br>ب) مَكْتَب (۱) آیین (۲) محل کار |

## ترجمه درس ۲

### من آیات الاخلاق از آیه‌های اخلاق

از آیه‌های اخلاق

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الخجرات: ۲۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

یَسْمٍ (ب + اسم): جاز و مجرور  
الله: مضاف‌الیه  
الرَّحْمَنِ: صفت (۱) برای «الله»  
الرَّحِيمِ: صفت (۲) برای «الله»

|        |        |             |            |
|--------|--------|-------------|------------|
| یَسْمٍ | الله   | الرَّحْمَنِ | الرَّحِيمِ |
| به نام | خداوند | بخشنده      | مهربان     |

به نام خداوند بخشنده مهربان

آمَنُوا: ایمان آوردند، «فعل ماضی، جمع مذکر غایب در این جا: ایمان آوردید، ایمان آورده‌اید»  
خَيْرًا (خَيْر): اسم تفضیل [در اصل، «أَخْبِر» بوده است.]

|   |   |
|---|---|
| ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا ﴾ | ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی را مسخره کنید، شاید آنان بهتر |
|---|---|

يَكُنَّ: فعل مضارع، «جمع مؤنث غایب» از يَكُونُ

|                 |         |      |              |        |                 |         |
|-----------------|---------|------|--------------|--------|-----------------|---------|
| مِنْهُمْ وَ لَا | نِسَاءٍ | مِنْ | نِسَاءٍ      | عَسَىٰ | أَن يَكُنَّ     | خَيْرًا |
| از اینان و نه   | زنانی   | از   | زنانی [دیگر] | شاید   | که باشند [انان] | بهتر    |

از اینان باشند، و نه زنانی، زنان [دیگر] را، شاید که آنان بهتر

لَا تَلْمِزُوا: فعل نهي، «جمع مذکر مخاطب»  
لَا تَتَنَابَزُوا (در اصل: لَا تَتَنَابَزُوا): فعل نهي، «جمع مذکر مخاطب»  
أَنْفُسٍ: مفعول / كَمْ: مضاف‌الیه

|                            |                 |                                  |
|----------------------------|-----------------|----------------------------------|
| مِنْهُمْ وَ لَا تَلْمِزُوا | أَنْفُسِكُمْ وَ | لَا تَتَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ |
| از اینان و عیب نگیرید      | خودتان را و     | به یکدیگر ندهید لقب‌های زشت      |

از اینان باشند و از یکدیگر ابا زبان و ... عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

بِئْسَ: یک فعل ماضی است که برای «مدمت و سرزنش» به کار می‌رود.  
الإيمان: مضاف‌الیه  
لَمْ يَتَّبِعْ: فعل مضارع، «مفرد مذکر غایب»

|        |           |                           |        |             |    |       |                |
|--------|-----------|---------------------------|--------|-------------|----|-------|----------------|
| بِئْسَ | الْإِسْمِ | الْفُسُوقِ                | بَعْدَ | الْإِيمَانِ | وَ | مَنْ  | لَمْ يَتَّبِعْ |
| بد است | نام       | فِسْق (آلوده‌شدن به گناه) | پس از  | ایمان       | و  | هر کس | توبه نکند      |

بد نامی است لقب‌دادن دیگران به کُفَر و ا فِسْق پس از ایمان، و هر کس توبه نکند

أُولَئِكَ: مبتدا  
الظَّالِمُونَ: خبر [برای «أُولَئِكَ»]

|                                   |                                |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| فَ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا |
| پس آنان همان ستمگران [هستند]      | ای کسانی که ایمان آوردید       |

پس آنانند ستمکاران (آنان همان ستمکاران هستند). ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

اجْتَنِبُوا: فعل امر، جمع مذکر مخاطب  
كَثِيرًا: مفعول / الظَّالِمُونَ: خبر  
مِنَ الظَّنِّ: جاز و مجرور  
الظَّنِّ (دوم): مضاف‌الیه

|  |  |
|--|--|
| وَ اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ | دوری کنید (بپرهیزید) [از] بسیاری از گمان [ها] زیرا برخی از گمان [ها] گناه [است] و از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است و |
|--|--|

|  |            |         |                    |     |              |            |
|--|------------|---------|--------------------|-----|--------------|------------|
| لا تَجَسَّسُوا (در اصل: لا تَتَجَسَّسُوا): فعل   | أَحَدُكُمْ | يُحِبُّ | بَعْضُكُمْ بَعْضًا | أَ  | يَجِبُ       | أَحَدُكُمْ |
| نهی، جمع مذکر مخاطب<br>لا يَغْتَنِبُ: فعل نهی، مفرد مذکر غایب<br>بَعْضُ: فاعل / كُمْ: مضاف‌الیه / بَعْضًا: مفعول<br>أَحَدُ: فاعل / كُمْ: مضاف‌الیه |            |         | [از] یکدیگر        | آیا | دوست می‌دارد | یکی از شما |
| ادر کار دیگران [تجسس نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید، آیا کسی از شما دوست دارد   |            |         |                    |     |              |            |

|   |        |             |         |    |                    |    |
|---|--------|-------------|---------|----|--------------------|----|
| أَنْ يَأْكُلَ   | لَحْمٍ | أَخِيهِ     | مَيْتًا | فَ | كَرِهْتُمُوهُ      | وَ |
| که بخورد  | گوشت   | برادرش [را] | مُرده   | پس | ناپسند دارید آن را | و  |
| گوشت برادرش را که مُرده است بخورد؟ [بی‌شک] از آن کراهت دارید، و |        |             |         |    |                    |    |

|  |          |           |         |                 |                  |                       |
|--|----------|-----------|---------|-----------------|------------------|-----------------------|
| اتَّقُوا   | اللَّهِ  | إِنَّ     | اللَّهَ | تَوَابٌ         | رَحِيمٌ          | الْخَيْرَاتِ: ۱۱ و ۱۲ |
| پروا کنید  | [از] خدا | زیرا (که) | خداوند  | بسیار توبه‌پذیر | [و] مهربان [است] |                       |
| از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. |          |           |         |                 |                  |                       |

|   |         |        |          |        |      |            |          |
|---|---------|--------|----------|--------|------|------------|----------|
| قَدْ  | يَكُونُ | بَيْنَ | النَّاسِ | مَنْ   | هُوَ | أَحْسَنُ   | مَيْتًا، |
| گاهی  | می‌باشد | میان   | مردم     | کسی که | او   | بهتر [است] | از ما    |
| گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر می‌باشد، |         |        |          |        |      |            |          |

|  |                          |                |      |                    |    |        |               |
|--|--------------------------|----------------|------|--------------------|----|--------|---------------|
| فَ   | عَلَيْنَا                | أَنْ نَتَّبِعَ | عَنِ | الْعُجْبِ          | وَ | أَنْ   | لَا نَذُكِّرَ |
| پس   | بر ماست (بر ما لازم است) | که دور شویم    | از   | خودپسندی (خودبینی) | و  | این که | یاد نکنیم     |
| پس بر ما لازم است که از خودپسندی دور شویم و عیوب دیگران را |                          |                |      |                    |    |        |               |

|   |             |     |                 |      |              |
|---|-------------|-----|-----------------|------|--------------|
| غُيُوبٍ                                 | الْآخِرِينَ | بِـ | كَلَامٍ حَفِيٍّ | أَوْ | بِإِشَارَةٍ. |
| عیب‌های                                 | دیگران [را] | با  | سخنی پنهان      | یا   | با اشاره‌ای  |
| با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم. |             |     |                 |      |              |

|   |            |                                |   |              |           |              |
|---|------------|--------------------------------|---|--------------|-----------|--------------|
| فَ  | قَدْ قَالَ | أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ | : | «أَكْبَرُ    | الْعَيْبِ | أَنْ تَعِيبَ |
| پس  | فرموده است | امیر مؤمنان علی                |   | بزرگ‌ترین    | عیب       | این [است] که |
| (زیرا)  |            |                                |   | عیب‌جویی کنی |           |              |
| زیرا امیر مؤمنان علی <small>عليه السلام</small> فرموده‌اند: «بزرگ‌ترین عیب آن است که از چیزی که |            |                                |   |              |           |              |

|                                |       |                 |
|--------------------------------|-------|-----------------|
| ما                             | فِيكَ | مِثْلُهُ.       |
| چیزی [را]                      | در تو | مانند آن [است]. |
| مانند آن در تو است، عیب‌گیری.» |       |                 |

|  |                    |    |          |                |              |    |
|--|--------------------|----|----------|----------------|--------------|----|
| تَنْصَحْنَا  | الْآيَةَ الْأُولَى | وَ | تَقُولُ: | لَا تَعِيبُوا  | الْآخِرِينَ. | وَ |
| پند می‌دهد به ما   | آیه اول            | و  | می‌گوید: | عیب‌جویی نکنید | [از] دیگران  | و  |
| آیه اول به ما پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید و |                    |    |          |                |              |    |

|   |     |               |                          |         |           |             |
|---|-----|---------------|--------------------------|---------|-----------|-------------|
| لَا تَلْقَبُوهُمْ   | بِـ | أَلْقَابٍ     | يَكْرَهُنَّهَا.          | بِشَسِّ | الْعَمَلِ | الْفُسُوقِ! |
| لقب ندهید آنان را   | با  | لقب‌هایی [که] | ناپسند می‌دارند آن‌ها را | بد است  | کار       | فِسق        |
| با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، آنان را لقب ندهید، فسق (آلوده‌شدن به گناه)، بد کاری است! |     |               |                          |         |           |             |

لا تَلْقَبُوا: فعل نهی، جمع مذکر مخاطب هم؛ مفعول برای فعلِ «لا تَلْقَبُوا»  
بِأَلْقَابٍ: جاز و مجرور  
«ها» در يَكْرَهُنَّهَا: مفعول

|    |       |           |        |        |      |                |
|----|-------|-----------|--------|--------|------|----------------|
| وَ | مَنْ  | يَفْعَلُ  | ذَلِكَ | فَهُوَ | مِنْ | الظَّالِمِينَ. |
| و  | هر کس | انجام دهد | آن را  | پس او  | از   | ستمکاران [است] |

و هر کس آن [کار] را انجام دهد، [او] از ستمکاران است.

هُوَ: مبتدا  
مِنْ الظَّالِمِينَ: جاز و مجرور ← خبر  
[برای «هُوَ»]

|          |    |               |         |          |     |                         |
|----------|----|---------------|---------|----------|-----|-------------------------|
| إِذَنْ   | فَ | قَدْ حَرَّمَ  | اللَّهِ | تَعَالَى | فِي | هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: |
| بنابراین | پس | حرام کرده است | خداوند  | متعال    | در  | این دو آیه:             |

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است:

حَرَّمَ: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب  
اللَّهُ: فاعل [برای فعل «قَدْ حَرَّمَ»]  
هَاتَيْنِ: اسم اشاره به نزدیک، مثنای مؤنث  
← مجرور به حرف جَرَّ

|                                 |    |                |                |               |
|---------------------------------|----|----------------|----------------|---------------|
| الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ، | وَ | تَسْمِيَتِهِمْ | بِالْأَسْمَاءِ | الْقَبِيحَةِ. |
| ریشخند کردن دیگران              | و  | نامیدنشان      | با اسم‌های     | زشت           |

ریشخند کردن دیگران و نامیدن آنان با اسم‌های زشت را.

الْإِسْتِهْزَاءُ: مفعول [برای فعل «حَرَّمَ»]  
الْآخِرِينَ: اسم تفضیل (جمع مذکر سالم)  
← مجرور به حرف جَرَّ  
الْأَسْمَاءُ الْقَبِيحَةُ: ترکیب وصفی (موصوف + صفت)

|                 |    |      |            |            |                |         |                      |
|-----------------|----|------|------------|------------|----------------|---------|----------------------|
| سُوءَ الظَّنِّ، | وَ | هُوَ | اِتِّهَامٌ | شَخْصٍ     | لِشَخْصٍ آخَرَ | بِدُونِ | دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ. |
| بدگمانی         | و  | آن   | متهم کردن  | شخصی [است] | شخصی دیگر [را] | بدون    | دلیلی منطقی          |

بدگمانی را، و آن (بدگمانی) متهم کردن شخصی توسط شخصی دیگر بدون [هیچ] دلیل منطقی است.

هُوَ: مبتدا / اِتِّهَامٌ: خبر / شَخْصٍ: مضاف‌الیه  
لِشَخْصٍ: جاز و مجرور  
آخَرَ (بر وزن «أَفْعَل»): صفت [برای «شَخْصٍ»]  
دَلِيلٍ: مضاف‌الیه / مَنْطِقِيٍّ: صفت [برای «دَلِيلٍ»]

|               |    |      |                       |      |              |
|---------------|----|------|-----------------------|------|--------------|
| التَّجَسُّسِ، | وَ | هُوَ | مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ | لِـ  | أَسْرَارِ    |
| جاسوسی کردن   | و  | آن   | تلاشی زشت [است]       | برای | اسرار (رموز) |

جاسوسی کردن را، و آن (جاسوسی کردن) تلاشی زشت او ناپسند! برای آشکار کردن اسرار

هُوَ: مبتدا / مُحَاوَلَةٌ: خبر  
قَبِيحَةٌ: صفت [برای «مُحَاوَلَةٌ»]  
لِـ: کشف: جاز و مجرور  
أَسْرَارِ: مضاف‌الیه

|          |                 |             |    |      |      |                      |
|----------|-----------------|-------------|----|------|------|----------------------|
| النَّاسِ | لِـ             | فَضَحِهِمْ  | وَ | هُوَ | مِنْ | كِبَائِرِ الذُّنُوبِ |
| مردم     | برای (به منظور) | رسواکردنشان | و  | آن   | از   | گناهان بزرگ [است]    |

مردم به منظور رسواکردن آنان است و آن از گناهان بزرگ

النَّاسِ: مضاف‌الیه  
لِـ: مضاف‌الیه  
فَضَحِهِمْ: جاز و مجرور / هِمَمٌ: مضاف‌الیه  
هُوَ: مبتدا / مِنْ كِبَائِرِ: جاز و مجرور ← خبر  
الذُّنُوبِ: مضاف‌الیه

|     |             |    |      |                           |
|-----|-------------|----|------|---------------------------|
| فِي | مَكْتَبِنَا | وَ | مِنْ | الأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. |
| در  | آیین ما     | و  | از   | اخلاق بد [است]            |

در آیین ما و از اخلاق بد است.

فِي مَكْتَبِنَا: جاز و مجرور  
نا: مضاف‌الیه  
مِنْ الأَخْلَاقِ: جاز و مجرور  
الأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ: ترکیب وصفی

|    |              |    |      |      |          |           |             |
|----|--------------|----|------|------|----------|-----------|-------------|
| وَ | الْغَيْبَةِ، | وَ | هِيَ | مِنْ | أَهَمِّ  | أَسْبَابِ | قَطْعِ      |
| و  | غیبت کردن    | و  | آن   | از   | مهم‌ترین | دلایل     | قطع (بریدن) |

و غیبت کردن را، و آن (غیبت کردن) از مهم‌ترین دلایل قطع

هِيَ: مبتدا  
مِنْ أَهَمِّ: جاز و مجرور ← خبر  
أَهَمِّ: اسم تفضیل  
«أَسْبَابِ» و «قَطْعِ»: مضاف‌الیه

|              |        |             |
|--------------|--------|-------------|
| التَّوَاصِلِ | بَيْنَ | النَّاسِ.   |
| ارتباط       | میان   | مردم [است]. |

ارتباط میان مردم است.

التَّوَاصِلِ: مضاف‌الیه  
النَّاسِ: مضاف‌الیه

|                 |         |                 |         |                      |          |        |
|-----------------|---------|-----------------|---------|----------------------|----------|--------|
| سَمِّيَ         | بَعْضُ  | الْمُفَسِّرِينَ | سُورَةَ | الْحُجُرَاتِ الَّتِي | جَاءَتْ  | فِيهَا |
| نامید (نامیدند) | برخی از | مفسران          | سوره    | حُجُرَاتِی که        | آمده است | در آن  |

برخی از مفسران، سوره حُجُرَاتِ را که این دو آیه

سَمِّيَ: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب  
بَعْضُ: فاعل / الْمُفَسِّرِينَ: مضاف‌الیه  
سُورَةَ: مفعول / الْحُجُرَاتِ: مضاف‌الیه  
فِيهَا: جاز و مجرور



هاتان: فاعل [برای فعل «جاءت»]  
 بسورة: جاز و مجرور  
 الأخلاق: مضاف‌الیه

|  |      |    |         |       |
|--|------|----|---------|-------|
| الأخلاق.                               | سورة | بـ | الآيتين | هاتان |
| اخلاق                                  | سورة | به | دو آیه  | این   |
| در آن آمده است، سورة اخلاق نامیده‌اند. |      |    |         |       |

- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و نادرست را براساس متن درس مشخص کن.)
- ۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران، سورة حُجُرَاتِ را عروس قرآن نامیده‌اند.)
- سورة حُجُرَاتِ ← سورة اخلاق / سورة الرَّحْمَنِ ← عروس قرآن
- ۲- حَرَّمَ اللهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطْ. (خداوند در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت کردن را حرام کرده است.)
- در متن اومده که: «إِذْ نَفَقْتُ حَرَّمَ اللهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: «الْاِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، سُوءَ الظَّنِّ، التَّجَسُّسَ وَالْغَيْبَةَ».
- ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أختَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. (غیبت کردن آن است که برادر و خواهرت را به آن چه ناپسند می‌دارند، یاد کنی.)
- ۴- إِنَّ اللهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخَرِينَ. (قطعاً خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند (منع می‌کند).)
- ۵- أَلَسَعْنِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش به منظور شناخت اسرار دیگران، کاری زیبا (خوب) است.)

### جوار (في سوقِ مشهد)

| بائعُ المَلابِسِ<br>لباس فروش   | گفت و گویی<br>(در بازار مشهد)   | الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ<br>زائر عرب (خانم)   |
|---|---|--|
| عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ.  | سلام بر شما، خوش اومدی.   | سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.  |
| سِتُونَ أَلْفَ تومَانِ.   | شصت هزار تومن.  | كَمْ يَسْعُرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟<br>قیمت این پیراهن مردونه چنده؟  |
| عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تومَانِ. تَفْصَلِي أَنْظِرِي.   | به قیمت پنجاه هزار تومن [هم] داریم. بفرما نگاه کن.  | أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاؤُ غَالِيَةٌ.<br>از این ارزون تر می‌خوام. این قیمت‌ها گرونه.                                       |
| أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي.  | سفید، مشکی، آبی، قرمز، زرد و بنفش.  | أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟<br>چه رنگی دارید؟   |
| تَبْدَأُ الْأَسْعَاؤُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومَانِ.                       | قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار شروع می‌شه تا هشتاد و پنج هزار تومن.                            | بِكَمْ تومَانِ هَذِهِ الْفُسَاتِينِ؟<br>این پیراهن‌های زنونه چند تومنه؟  |
| سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَاتِ.   | خانوم، قیمت براساس جنس‌ها فرق می‌کنه.   | الْأَسْعَاؤُ غَالِيَةٌ!<br>قیمت‌ها گرونه!  |
| السَّرَوَالُ الرَّجَالِي يَبْتَسَعِينَ أَلْفَ تومَانِ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِي بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَانِ.  | شلوار مردونه نود هزار تومن، و شلوار زنونه نود و پنج هزار تومن.                              | بِكَمْ تومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟<br>این شلوارها چند تومنه؟   |
| ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.  | اون مغازه همکارمه، شلوارهایی بهتره داره.  | أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.<br>شلوارهایی بهتر از اینا می‌خوام.  |
| فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ...<br>در مغازه همکارش ...  |   |  |
| صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تومَانِ. أَعْطَيْنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. | مبلغ، دویست و سی هزار تومن شد. پس از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومن] به من بده (پرداخت کن). | رَجَاءً، أَعْطَيْنِي سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟<br>لطفاً، یه شلوار از این نوع به من بده و ... مبلغ چه قدر شد؟ |



اَلشَّمْرَيْنِ الْأُولَىٰ أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (شمرین اول کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه، با توضیحات زیر هماهنگی دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام گردانید (حرام کرد)). ﴿حَرَّمَ﴾ (حرام کرد)
  - ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست). ﴿مَيِّتٌ، مَيِّتٌ﴾ (مَرده)
  - ۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ) ﴿كَبِيرٌ﴾ (گناهان بزرگ)
  - ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد). ﴿تَوَابٌ﴾ (بسیار توبه‌پذیر)
  - ۵- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با اسم‌های زشت) ﴿تَنَابَرُ بِالْأَلْقَابِ﴾ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)
  - ۶- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَىٰ بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه را دیگران به آن راضی نیستند در غیبتشان (عدم حضورشان) یاد کرد). ﴿إِغْتَابَ﴾ (غیبت کرد)
- اَلشَّمْرَيْنِ الثَّانِي تَرْجُمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيَّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (شمرین دوم این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [مواردی را که] از تو خواسته شده، مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ) ﴿حَسَنٌ﴾ خوش اخلاقی نیمی از دین است.

مبتدا خبر

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ) ﴿بُغِيَضٌ﴾ هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد (شکجه می‌کند).

مفعول

۳- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ) ﴿حَسَّنَ﴾ خدایا! همان گونه که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را [نیز] نیکو گردان.

فعل ماضی فعل امر

۴- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ) ﴿أَفْضَلُ﴾ در ترازو (ترازوی اعمال)، چیزی سنگین تر از اخلاق نیکو نیست.

اسم تفضیل جار و مجرور جار و مجرور

اَلشَّمْرَيْنِ الثَّالِثُ تَرْجُمُ الْأَفْعَالَ وَالْمُصَادِرَ التَّالِيَةَ. (شمرین سوم افعال و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

| الْمَاضِي                    | الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ   | الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ              | الْمَصْدَرُ                 |
|------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|-----------------------------|
| قَدْ أَحْسَنَ: نیکو کرده است | يُحْسِنُ: نیکو می‌کند             | أَحْسِنْ: نیکو کن (امر)             | إِحْسَانٌ: نیکو کردن        |
| إِفْتَرَبَ: نزدیک شد         | يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند      | لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید (نهی) | إِفْتِرَابٌ: نزدیک شدن      |
| إِنْكَسَرَ: شکسته شد         | سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد      | لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو (نهی)     | إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن      |
| إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست    | يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد      | إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه (امر)     | إِسْتِعْفَارٌ: آمرزش خواستن |
| مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم     | لَا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند        | لَا تُسَافِرْ: سفر نکن (نهی)        | مُسَافَرَةٌ: سفر کردن       |
| تَعَلَّمَ: یاد گرفت          | يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند      | تَعَلَّمْ: یاد بگیر (امر)           | تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن        |
| تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید     | تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید       | لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید (نهی)  | تَبَادُلٌ: عوض کردن         |
| قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است | سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد | عَلِّمْ: آموزش بده (امر)            | تَعْلِيمٌ: آموزش دادن       |

اَلشَّمْرَيْنِ الرَّابِعُ أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (شمرین چهارم عملیات ریاضی زیر را مانند مثال بنویس.)

- ۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. ده به اضافه چهار، برابر است با چهارده. ﴿١٤ = ٤ + ١٠﴾
- ۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ. صد تقسیم بر دو برابر است با پنجاه. ﴿٥٠ = ٢ ÷ ١٠٠﴾
- ۳- ثَمَانِيَّةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ. هشت ضربدر سه برابر است با بیست و چهار. ﴿٢٤ = ٣ × ٨﴾
- ۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِضٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ. هفتاد و شش منهای یازده برابر است با شصت و پنج. ﴿٦٥ = ٧٦ - ١١﴾

اَلشَّمْرَيْنِ الْخَامِسُ عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ. (شمرین پنجم نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ٢٦ «پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.»

﴿فَأَنْزَلَ﴾ مفعول ﴿عَلَى﴾ به حرف جر

۲- ﴿لَا يَكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦ «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند.»

﴿لَا يَكَلِّفُ﴾ فاعل مفعول

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «سکوت طلا است و سخن گفتن نقره است.»

﴿السُّكُوتُ﴾ مبتدا خبر

۴- **أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ** **أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ**. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «محبوب‌ترین بندگان خدا، نزد خدا، سودمندترین نشان برای بندگانش است.»

مبتدا مضاف الیه مبرور به حرف جر فیه

۵- **عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ**. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «دشمنی عاقل بهتر از دوستی جاهل است.»

مبتدا فیه مبرور به حرف جر

**الْأَشْرُنُ السَّلَاسِي** تَرْجِمُ الشَّرَاكِيْبَ وَالْجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيَّنَ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ. (شهرین ششم) ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ پروردگار مشرق و مغرب

اسم مکان اسم مکان

۲- ﴿...إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾ المائدة: ۱۰۹ ﴿... همانا تو خودت به رازهای نهان بسیار دانایی.»

اسم مبالغه

۳- ﴿...مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ یس: ۵۲ ﴿... چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان چیزی است

اسم مکان اسم مفعول

که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند.»

۴- **يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُخْسِنِينَ**: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد (دوست داری).

اسم فاعل

۵- **يَا أَزْحَمَ الرَّاحِمِينَ**: ای مهربان‌ترین مهربانان

اسم تفضیل اسم فاعل

۶- **يَا سَائِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ**: ای پوشاننده هر ناقصی

اسم فاعل اسم مفعول

۷- **يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ**: ای بسیار آمرزنده گناهان

اسم مبالغه

**الْأَشْرُنُ السَّبَاعِ عَيَّنَ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ**. (شهرین هفتم) در هر مجموعه، کلمه بیگانه [و ناهمانگ] را مشخص کن.

- |   |  |   |  |
|---|--|---|--|
| ۱- <input type="checkbox"/> صباح (صبح)                        | <input type="checkbox"/> مساء (عصر)              | <input type="checkbox"/> لیل (شب)                     | <input checked="" type="checkbox"/> مینت (مُرده)     |
| ۲- <input type="checkbox"/> عَجَب (خودپسندی)                  | <input checked="" type="checkbox"/> لَحْم (گوشت) | <input type="checkbox"/> فُسُوق (آلوده شدن به گناه)   | <input type="checkbox"/> إثم (گناه)                  |
| ۳- <input checked="" type="checkbox"/> كِبَائِر (گناهان بزرگ) | <input type="checkbox"/> نِساء (زنان)            | <input type="checkbox"/> رِجال (مردان)                | <input type="checkbox"/> أولاد (فرزندان، پسران)      |
| ۴- <input type="checkbox"/> سَخِرَ (مسخره کرد)                | <input type="checkbox"/> عَابَ (عیب جویی کرد)    | <input checked="" type="checkbox"/> سَاعَدَ (کمک کرد) | <input type="checkbox"/> لَمَزَ (عیب گرفت)           |
| ۵- <input checked="" type="checkbox"/> أَحْمَر (سرخ، قرمز)    | <input type="checkbox"/> أَحْسَن (نیکوتر، بهتر)  | <input type="checkbox"/> أَجْمَل (زیباتر)             | <input type="checkbox"/> أَصْلَح (شایسته‌تر)         |
| ۶- <input type="checkbox"/> أَصْفَر (زرد)                     | <input type="checkbox"/> أَرْزَق (آبی)           | <input type="checkbox"/> أَيْبَضَ (سفید)              | <input checked="" type="checkbox"/> أَكْثَرَ (بیشتر) |

**الْأَشْرُنُ الثَّامِنُ صَغِيَ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً**. (شهرین هشتم) در جای خالی، کلمه مناسبی قرار بده.

۱- **إِشْتَرَيْنَا** ..... وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. در مغازه، شلوارها و پیراهن‌های زنانه‌ای را با قیمت‌هایی ارزان خریدیم.

سَرَاوِيل (شلوارها)  أَشْهُرًا (ماه‌ها)  مَوَاقِفَ (ایستگاه‌ها)

۲- **مَنْ** ..... الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَذَرَّ إِلَيْهِمْ. هر کس غیبی مؤمنان را کند، بر اوست (بر او واجب است) که از آنان پوزش بخواهد.

إِغْتَابَ (غیبی کرد)  إِتَّقَى (پروا کرد)  مَدَّحَ (ستود)

۳- **خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي** ..... شصت و پنج منهای بیست و سه برابر است با .....

إِثْنَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ (چهل و دو)  إِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ (هفتاد و دو)  أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ (بیست و چهار)

۴- **أَرَادَ الْمُشْتَرِي** ..... السَّعْرَ. خریدار، تخفیف قیمت را خواست.

نَوْعِيَّةَ (جنس)  مَتَجَرَّ (مغازه)  تَخْفِيضَ (تخفیف)

## البَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

﴿إِسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ﴾ (پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح را استخراج کن.)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتِيحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَ أَيْقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النِّقْمَةِ، وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعُظْمَةِ.

خدایا، من با سپاس‌گزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی، مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفردهندگان و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندان.

اللَّهُمَّ أَدْنَتْ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعَ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمَ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورَ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَنْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَسَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم درگذر، ای خدای من، چه بسیار اندوههایی که از آن گره گشودی و غمهایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن درگذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطَهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ. خدایا، درود بفرست بر محمد: بندهات، فرستادهات، امانددارت، برگزیدهات، یارت، بهترین آفریدهات، نگاهدار رازت، رساننده پیامهایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کاملترین، پاکترین، بالندهترین، خوبترین، پاکیزهترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستادهای و برکت دادهای و مهربانی کردهای و مهر ورزیدهای و سلام دادهای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.

## سؤالهای امتحانی

### سؤالهای ترجمه محور

۱- الف) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:

۱- ﴿إَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾

۳- ﴿... عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ...﴾

۵- ﴿... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ...﴾

۷- هَذِهِ الْآيَةُ تَقُولُ لَنَا: لَا تَعْيَبُوا الْآخَرِينَ.

۹- الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَنَا.

۱۱- عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ كَثِيرًا.

۱۳- ذَلِكَ مَثَجَزٌ زَمِيلِي.

ب) اِنْتَجِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَطًّا.

۱۴- جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. (بلندترین - بهترین - بلندتر)

۱۶- سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. (بزرگتر - طولانیترین - بزرگترین)

۲- اَكْتُبِ الْمُرَادِفَ أَوْ الْمُتَضَادَّ لِكُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

الف) كُفِّرَ - ذَنْبٌ - عَنَ - عُدَاةٌ - رُبَّمَا - قَلِيلٌ

۲۰- إِيْمَانٌ

۱۹- كَثِيرٌ

۱۸- أَحْيَاةٌ

۲۳- مِنْ

۲۲- إِنْهُمْ

۲۱- عَسَى

ب) سَخِرَ مِنْ - اِنْتَقَى - مُحَاوَلَةٌ - قَبِيحَةٌ - حَرَمٌ - اِبْتَعَدَ

۲۶- اِسْتَهْزَأَ بِ-

۲۵- سَعَى

۲۴- خَافَ

۲۹- اِفْتَرَبَ

۲۸- جَمِيلَةٌ

۲۷- اَحْلَى

ج) ذَنْبٌ - اجْتِنَابٌ - حَفِيٌّ - خَيْرٌ - اَكْبَرٌ - عَادِلٌ

۳۲- اِنْهُمْ

۳۱- اَفْضَلٌ

۳۰- ظَالِمٌ

۳۵- اِبْتِعَادٌ عَنِ

۳۴- اَصْغَرَ

۳۳- مَسْتَوٍرٌ

۳- عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْفَرِيضَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

۳۶- اَللُّغُوْبُ

اَلْمُخْزَنُ

اَلْمُنْتَجِرُ

۳۷- اَحْسَنُ

اَصْلَحُ

اَحْمَرُ

اَجْمَلُ

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

۲- ﴿يَسُّوْا الْاِسْمَ الْفُسُوْقَ بَعْدَ الْاِيْمَانِ...﴾

۴- ﴿اِنَّكَ اَنْتَ عَلَامَةُ الْغُيُوْبِ﴾

۶- ﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...﴾

۸- اِنَّ فُضْحَ النَّاسِ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوْبِ.

۱۰- يَا رَبِّ، حَسَنٌ خُلِقِي كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۲- حَرَّمَ اللهُ الْاِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِيْنَ.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبُهَائِمِ. (بدتر - بدترین - زشتتر)

۱۷- خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ. (خوبترین - خوبتر - خوبی)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

- ۳۸- أَصْفَرٌ □ أَرْزَقُ □ أَكْثَرُ □ أَبْيَضُ □  
 ۳۹- تَخْفِيزٌ □ غَالِيٌ □ سِغْرٌ □ زَمِيلٌ □  
 ۴۰- سَخِرَ □ عَابَ □ تَرَكَ □ لَمَزَ □  
 ۴۱- مَطْبَخٌ □ مَضْنَعٌ □ مَعْبَدٌ □ مَزَارِعٌ □  
 ۴۲- أَنْفَعٌ □ آخِرٌ □ أَعْلَى □ آخِرٌ □  
 ۴۳- سِرْوَالٌ □ فُسْتَانٌ □ قَمِيصٌ □ أَعْلَى □  
 ۴۴- الْعَيْبَةُ □ الْأَسْتِهْزَاءُ □ التَّنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ □ الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ □  
 ۴۵- فُسُوقٌ □ غَيْبَةٌ □ تَوَاضَلٌ □ سُخْرِيَّةٌ □  
 ۴۶- أَخْضَرٌ □ أَحْسَنٌ □ أَجْمَلٌ □ أَتْفَى □  
 ۴۷- أَعْظَمٌ □ أَسْوَدٌ □ أَصْفَرٌ □ أَبْيَضٌ □  
 ۴۸- لَا تَلْجِزُونَ □ لَا تَنَابُزُوا □ لَا يَسْخَرُونَ □ لَا نَعْتَابُ □  
 ۴۹- أَكَلْتُمْ □ سَمِينَا □ يُحِبُّ □ قَالَ □

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

#### ۴- أَكْتُبْ مُفْرَدَةً أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

- ۵۰- أَفَاضِلُ □ .....  
 ۵۲- كِبَائِرُ □ .....  
 ۵۴- مَوْقِفٌ □ .....  
 ۵۶- نَحْمٌ □ .....  
 ۵۸- مَطَايِخٌ □ .....  
 ۶۰- مَكْتَبَةٌ □ .....  
 ۶۲- فَسَاتِينٌ □ .....  
 ۶۴- سِغْرٌ □ .....

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

#### ۵- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- ۶۵- ﴿بَشِيَ الْإِسْمُ الْفُسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَمْ يَثْبُقْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾  
 ۶۶- فَقَدْ حَرَمَ اللهُ تَعَالَى، الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ.  
 ۶۷- «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»  
 ۶۸- سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.  
 ۶۹- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.  
 ۷۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾  
 ۷۱- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَّنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غِيُوبَكُمْ.  
 ۷۲- ﴿...! اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾  
 ۷۳- ﴿...! لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابُزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾  
 ۷۴- ﴿...! إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾  
 ۷۵- لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ؛ وَ لَا تُلَقِّبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُونَهَا.  
 ۷۶- الْعَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ.  
 ۷۷- سُوءُ الظَّنِّ هُوَ أَنَّهُمْ شَخِصٍ لِشَخِصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.  
 ۷۸- اَلنَّجَسُ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.  
 ۷۹- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.  
 ۸۰- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.  
 ۸۱- خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ.  
 ۸۲- اَللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.  
 ۸۳- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ.  
 ۸۴- ﴿... مِنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقِدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

## ۶- اِفْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۸۵- فاطمة أَكْبَرُ مِنْ مَرْيَمَ.

- (۱) فاطمه مریم را بزرگ کرد.  
 (۲) فاطمه از مریم بزرگ‌تر است.

۸۶- أَحْسَنُ زَيْنَةَ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ.

- (۱) بهترین زینت مرد، آرامش همراه با ایمان است.  
 (۲) خوب‌ترین زینت انسان، ساکن بودن در ایمان است.

۸۷- ﴿بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾

- (۱) بد است نام آلوده شدن به گناه پس از ایمان.  
 (۲) بد است نام بد نهادن به دیگران پس از ایمان.

۸۸- قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا.

- (۱) گاهی در میان مردم کسی که او از ما بهتر است، می‌باشد.  
 (۲) قطعاً در میان مردم کسی که او از ما نیکوتر است، به وجود می‌آید.

۸۹- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.

- (۱) برادران نیکوی شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.  
 (۲) بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۰- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازوی

- (۱) چیزی به سنگینی اخلاق خوب نیست.  
 (۲) چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

اعمال ...

۹۱- أَحْسَنُ زَيْنَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ.

- (۱) زینت انسان خوب، آرامش با ایمان است.  
 (۲) بهترین زیور انسان، آرامش همراه ایمان است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 (۱) «حال آن‌که آخرت خوب و ماندگار است.»

 (۲) «حال آن‌که آخرت بهتر و ماندگارتر است.»

۹۲- ﴿... وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

## ۷- كَمِّلِ الْفَرَغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۹۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، .....

۹۴- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾: و از خودتان (از یکدیگر) عیب نگیرید و .....

۹۵- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي: خدایا! ..... که آفرینش را نیکو گردانیدی، خُلقم را ..... (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۶- بِكُمْ تِوْمَانٍ أَفْضَلُ الْفَسَاتِينِ؟ أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا: ..... پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟ ..... از این ..... (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۷- سَيِّدِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ: آقا! قیمت بر حسب ..... متفاوت است. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۸- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش ..... ، او از چارپایان ..... است.

۹۹- ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾: و آخرت ..... و ..... است.

## ۸- تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

|                                   |                                 |                             |
|-----------------------------------|---------------------------------|-----------------------------|
| ۱۰۰- قَدْ أَحْسَنْتُ: .....       | ۱۰۱- أَحْسِنُوا: .....          | إِحْسَانٌ: نیکی کردن        |
| ۱۰۲- تُحْسِنِينَ: .....           | ۱۰۳- لَا تُحْسِنَا: .....       |                             |
| ۱۰۴- سَوْفَ يَنْكَبِرُونَ: .....  | ۱۰۵- إِنْكَسِرَ: .....          | إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن      |
| ۱۰۶- قَدْ يَنْكَبِرُ: .....       | ۱۰۷- لَا تَنْكَبِرِي: .....     |                             |
| ۱۰۸- إِفْتَرَبَا: .....           | ۱۰۹- تَقْتَرِبُونَ: .....       | إِفْتِرَابٌ: نزدیک شدن      |
| ۱۱۰- كَانُوا يَقْتَرِبُونَ: ..... | ۱۱۱- لَا تَقْتَرِبْ: .....      |                             |
| ۱۱۲- إِسْتَعْفَرْنَ: .....        | ۱۱۳- نَسْتَعْفِرُ: .....        | إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن |
| ۱۱۴- إِسْتَعْفَرُوا: .....        | ۱۱۵- سَأَسْتَعْفِرُ: .....      |                             |
| ۱۱۶- مَا سَافَرْتُ: .....         | ۱۱۷- سَتَسَافِرُونَ: .....      | مُسَافَرَةٌ: سفر کردن       |
| ۱۱۸- لَا تُسَافِرِي: .....        | ۱۱۹- سَافِرُوا: .....           |                             |
| ۱۲۰- قَدْ تَعَلَّمْتُ: .....      | ۱۲۱- قَدْ يَتَعَلَّمُونَ: ..... | تَعَلَّمَ: یاد گرفتن        |
| ۱۲۲- تَعَلَّمُوا (امر): .....     | ۱۲۳- سَتَتَعَلَّمِينَ: .....    |                             |
| ۱۲۴- تَبَادَلْنَ (ماضی): .....    | ۱۲۵- سَأَتَبَادَلُ: .....       | تَبَادُلٌ: عوض کردن         |
| ۱۲۶- لَا تَتَبَادَلِي: .....      | ۱۲۷- تَبَادَلَا (امر): .....    |                             |
| ۱۲۸- قَدْ عَلَّمْتُ: .....        | ۱۲۹- سَيُعَلِّمُونَ: .....      | تَعَلِيمٌ: آموزش دادن       |
| ۱۳۰- عَلَّمَا: .....              | ۱۳۱- لَا تُعَلِّمِي: .....      |                             |

۹- اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةَ التَّالِيَةَ.

۱۳۳- وَاحِدٌ وَتِسْعُونَ زَائِدٌ تِسْعَةَ إِسْوَی مِئَةً.

۱۳۲- خَمْسَةٌ فِي أَرْبَعَةٍ إِسْوَی عِشْرِينَ.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

۱۰- اجْعَلْ فِي الْفَرَاغِ الْغَدَّةَ الْأَصْلِيَّ أَوْ التَّرْتِيبِيَّ:

۱۳۵- مِثْنَانِ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ إِسْوَی .....

۱۳۴- الْيَوْمُ ..... مِنْ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

۱۱- اِنتَخِبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا:

ثَلَاثَةٌ وَ ثَمَانِينَ  أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرِينَ

۱۳۶- ثَمَانِيَّةٌ فِي ثَلَاثَةِ إِسْوَی .....

عَشْرَةٌ  خَمْسَةٌ

۱۳۷- زَائِدٌ أَرْبَعَةَ إِسْوَی أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

۱۲- اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ۱۳۸- اِسْمُ الْفَاعِلِ:  الظَّالِمُونَ  المَظْلُومَانِ  أَظْلَمَ
- ۱۳۹- اِسْمُ الْمَفْعُولِ:  الْمُحْسِنِ  الْإِحْسَانَ  الْمُحْسِنَ
- ۱۴۰- اِسْمُ الْمَكَانِ:  مَدْرَسَةٌ  مَدْرَسِ  دَرَسَ
- ۱۴۱- اِسْمُ التَّفْضِيلِ:  مُهِمٌّ  هَامٌ  أَهَمُّ

۱۳- تَرِجِمِ الشَّرَاكِيْبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اِسْمَ الْفَاعِلِ وَ اِسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَ اِسْمَ الْمَكَانِ وَ اِسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱۴۲- يَا عَفَّارَ الدُّنُوبِ.  أَضْدَقُ النَّاسِ.

۱۴۴- مَطَاعِمُ الْمَدِينَةِ.  مُرْسِلُ الْأَنْبِيَاءِ.

۱۴۶- يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ.

۱۴- عَيِّنِ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ وَ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱۴۷- جَبَلٌ دَمَاوْنِدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا.  يَضْنَعُ الْحُقَاشُ وَكُنْهَ فِي جِدَارِ بَيْتِ قَدِيمٍ.

۱۴۹- حَرَّمَ اللهُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ الْإِسْتِهْزَاءَ.

۱۵- عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱۵۰- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَحَاكَ وَ أَحْتَاكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْجَارُّ وَ الْمَجْرُورُ)

۱۵۱- تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الشَّرِيفَةَ. (الْفَاعِلُ وَ الصِّفَةُ)

۱۵۲- أَثْقَلَ الْأَشْيَاءِ فِي الْمِيزَانِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ الْخَبَرُ)

۱۵۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخِلَالِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْخَبَرُ)

۱۶- عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

۱۵۴- ﴿يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾  وَ أَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿

۱۵۶- «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.»  سُوْرَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُوْرَةٍ فِي الْقُرْآنِ.

۱۵۸- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.  مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ.

۱۶۰- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.  سُرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

۱۷- اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

۱۶۲- اَلتَّجَسُّسُ مُحَاوَلَةٌ ..... لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ. (حَسَنَةٌ - تَسْمِيَةٌ - قَبِيحَةٌ)

۱۶۳- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ..... نَفْسَهُ. (عَدَبٌ - أَدَبٌ - ذَكَرٌ)

۱۸- عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

۱۶۴- كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خُوزِسْتَانِ.

۱۶۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

۱۶۶- خَيْرُ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

(نهایی فردا ۱۳۰۲)

۱۹- صَغُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةٌ مُنَاسِبَةٌ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

تَبَايَرَ - أَضْلَحَ - أَسْكَنَ

۱۶۷- عَضَفَتْ رِيَاخٌ شَدِيدَةً وَ حَدَثَ ..... فِي مِيَاهِ الْمُحِيطِ. ۱۶۸- ﴿وَايَا آدَمَ ..... أَنْتَ وَ زَوْجَكَ الْجَنَّةَ﴾

۲۰- صَغُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةٌ مُنَاسِبَةٌ حَوْلَ الْجَوَارِ.

۱۶۹- بِكُمْ تَوْمَانِ هَذِهِ ..... ؟ (السَّرَاوِيلُ - الْكِتَابُ) ۱۷۰- الْأَشْعَارُ ..... جِدًّا. (سَوْقٌ - غَالِيَةٌ)

۲۱- الْف) رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ حَتَّى تَصِيرَ جُمْلَةً صَحِيحَةً.

۱۷۱- مَتَجَرَ - ذَلِكَ - ي - زَمِيل ۱۷۲- مِنْ - الذَّنُوبِ - ذَلِكَ - كِبَائِرِ

ب) رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ صَحِيحًا:

كَمْ - الرَّجَالِيَّ - سِعَرَ - هَذَا - الْقَمِيصِ

۱۷۳- ..... ؟ سِتُونَ أَلْفَ تَوْمَانِ.

۲۲- إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ.

۱۷۴- مَاذَا تَكْشِفُ الدَّلَافِينُ؟ ۱۷۵- مَنْ هُوَ يُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ؟

۱۷۶- مَتَى تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا؟ ۱۷۷- عَيْنِ الصَّفَةِ وَ الْفَاعِلِ فِي النَّصِّ.



۴۱- واژه «مُزَارِع: کشاورز» با بقیه گزینه‌ها که همگی بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان هستند، فرق دارد.  
 ۴۲- واژه «آخِر: پایان» که بر وزن «فَاعِل» بوده و اسم فاعل است، با سه گزینه دیگر که همگی بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند، متفاوت است.

### نکته

واژه «آخِر» در اصل بر وزن «أَفْعَل» است و «اسم تفضیل» به شمار می‌رود، هر چند معنای تفضیلی خود را از دست داده است!

۴۳- واژه «أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین» بر وزن «أَفْعَى» اسم تفضیل است و با سه گزینه دیگر که همگی به نوعی پوشاک هستند، تفاوت دارد.  
 ۴۴- واژه «الأَخْلَاقُ الحَسَنَةُ: اخلاق نیکو» جزء صفات اخلاقی پسندیده است، در حالی که سه واژه دیگر از صفات اخلاقی ناپسند به شمار می‌روند.  
 ۴۵- واژه «تَوَاضَل: ارتباط» با سه واژه دیگر که همگی از صفات ناپسند اخلاقی هستند، فرق دارد.

۴۶- واژه «أَخْضَر: سبز» هر چند بر وزن «أَفْعَل» است، ولی اسم تفضیل محسوب نمی‌شود؛ در صورتی که سه واژه دیگر همگی «اسم تفضیل» می‌باشند.

### نکته

رنگ‌هایی که بر وزن «أَفْعَل» هستند، اسم تفضیل محسوب نمی‌شوند؛ مانند: أبيض (سفید)، أسود (سیاه)، أزرَق (آبی) و ...

۴۷- واژه «أَعْظَم: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است، ولی سه واژه دیگر هر چند بر وزن «أَفْعَل» هستند، ولی چون مؤنثشان بر وزن «فَعْلَى» نیست، اسم تفضیل به شمار نمی‌روند.  
 ۴۸- «لا تَنَابَزُوا» فعل نهی است، زیرا نون آخر فعل مضارع حذف شده است، ولی سه فعل دیگر مضارع منفی هستند، زیرا آخرشان نه ساکن شده و نه نونشان حذف شده است.

۴۹- «يُحِبُّ: دوست دارد» فعل مضارع است، ولی سه فعل دیگر همگی ماضی هستند. (أَكَلْتُمْ: خوردید / سَمَّيْنَا: نامیدیم / قَالَ: گفت)

۴- مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.

- ۵۰- أَفْضَلُ ← مفرد (برتر)  
 ۵۱- مَيِّت ← جمع (أموات، موتی (مردگان)  
 ۵۲- كِبَائِر ← مفرد (كبيرة (گناه بزرگ)  
 ۵۳- عَيْب ← جمع (عیوب (عیب‌ها)  
 ۵۴- مَوْقِف ← جمع (مواقف (ایستگاه‌ها)  
 ۵۵- أَمْوات ← مفرد (میت، میت (مرده)  
 ۵۶- لَحْم ← جمع (لحوم (گوشت‌ها)  
 ۵۷- مَلْعَب ← جمع (ملاعب (ورزشگاه‌ها)  
 ۵۸- مَطْبِخ ← مفرد (مطبخ (آشپزخانه)  
 ۵۹- مَطْعَم ← مفرد (رستوران)  
 ۶۰- مَكْتَبَة ← جمع (مكتاتب (کتابخانه‌ها)

۱- الف) ترجمه کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، مشخص کن.

- ۱- بسیار توبه‌پذیر  
 ۲- آلوده شدن به گناه  
 ۳- شاید  
 ۴- بسیار دانا  
 ۵- دوری کنید (ببرهیزید)  
 ۶- نباید مسخره کند  
 ۷- عیب‌جویی نکنید  
 ۸- رسوا کردن  
 ۹- ارتباط  
 ۱۰- نیکو گردانیدی  
 ۱۱- خودپسندی  
 ۱۲- ریشخند کردن  
 ۱۳- مغازه

ب) ترجمه درست کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، انتخاب کن.

- ۱۴- کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.  
 ۱۵- هر کس شهوتش (هوای نفسش) [بر] خردش چیره شود، او از چهارپایان (چارپایان) بدتر است.  
 ۱۶- سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.  
 ۱۷- خوب‌تر از خوبی، انجام‌دهنده آن است.

۲- مترادف یا متضاد هر یک از کلمات را در مقابل آن بنویس.

- ۱۸- أَحِبَّة (دوستان) ↔ عُدَاة (دشمنان)  
 ۱۹- كَثِير (زیاد) ↔ قَلِيل (کم)    ۲۰- إِيْمَان (ایمان) ↔ كُفْر (كُفْر)  
 ۲۱- عَسَى ↔ وَيْمًا (شاید)    ۲۲- إِثْم ↔ ذَنْب (گناه)  
 ۲۳- مِنْ ↔ عَن (از)  
 ۲۴- خَاف ↔ اتَّقَى (ترسید، پروا کرد)  
 ۲۵- سَعَى ↔ مُحَاوَلَه (تلاش کردن)  
 ۲۶- اسْتَهْزَأَ بِ- ↔ سَخِرَ مِنْ (ریشخند کرد، مسخره کرد)  
 ۲۷- أَحَلَّ (حلال کرد) ↔ حَرَّمَ (حرام کرد)  
 ۲۸- جَمِيلَة (زیبا) ↔ قَبِيحَة (زشت)  
 ۲۹- اقْتَرَبَ (نزدیک شد) ↔ ابتَعَدَ (دور شد)  
 ۳۰- ظالِم (ستمگر) ↔ عادل (دادگر)  
 ۳۱- أَفْضَل ↔ خَيْر (بهتر؛ بهترین)

۳۲- إِثْم ↔ ذَنْب (گناه)

۳۳- مَسْتَوِر ↔ خَفِي (پنهان)

۳۴- أصغر (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) ↔ أكبر (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)

۳۵- إيتعاد عَن ↔ إجتنا ب (دوری کردن [از])

۳- کلمه بیگانه و ناهماهنگ را در هر گروه مشخص کن.

۳۶- بازار  گناهان  مغازه  انبار

واژه «الذُّنوب: گناهان» با بقیه گزینه‌ها که بیانگر مکان است، تفاوت دارد.

۳۷- أَحْمَر ↔ ۳۸- أَكْثَر

۳۹- تخفیف  گران  قیمت  هم‌شاگردی

واژه «زَمِيل: هم‌شاگردی» با بقیه گزینه‌ها که درباره خرید و فروش است، تفاوت دارد.

۴۰- واژه «تَرَكَ: ترک کرد» با بقیه گزینه‌ها که بیانگر صفات اخلاقی ناپسند (نکوهیده) است، تفاوت دارد.

۶۱- سِزْوَال جمع ← سِراوِیل (شلوارها)

۶۲- فِساتین مفرد ← فُستان (پیراهن زنانه)

۶۳- کَبیرَة جمع ← کَبائِر (گناهان بزرگ)

۶۴- سِغَر جمع ← اَشعار (قیمت‌ها)

### ۵- عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

۶۵- «بَدنامی است [لقب‌دادن دیگران به کُفر و] فِشَق پس از ایمان، و هر کس توبه نکند، پس آنان‌اند ستمکاران (آنان همان ستمکاران هستند).

۶۶- خدووند بلندمرتبه، ریشخندکردن دیگران را حرام کرده است.

۶۷- بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه را که همانند آن در تو است، عیب بگیری (عیب‌جویی کنی).

۶۸- برخی از مفسران، سوره حُجرات را «سوره اخلاق» نامیدند.

۶۹- بدترین مردم، [انسان] دو رو است.

۷۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

۷۱- بهترین برادرانتان (دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

۷۲- «از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است.»

۷۳- «... و از یکدیگر [با زبان و ...] عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.»

۷۴- «... زیرا پروردگار تو داناتر است به کسی که از راه او گم گشته [و گمراه شده] است.»

۷۵- از دیگران عیب‌جویی نکنید، و با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، آنان را لقب ندهید.

۷۶- غیبت، از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۷۷- بدگمانی، متهم کردن شخصی توسط شخصی دیگر بدون [هیچ] دلیل منطقی است.

۷۸- جاسوسی کردن، تلاشی زشت [و ناپسند] برای آشکارکردن اسرار مردم به منظور رسواکردن آنان است و آن از گناهان بزرگ است.

۷۹- هر کس شهوتش (هوای نَفْسش) بر خردش چیره شود، او از چارپایان بدتر است.

۸۰- بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد (باور) ندارد و از خیانت دوری نمی‌کند.

۸۱- بهتر از خوبی، انجام‌دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا، گوینده‌اش است.

۸۲- خدایا! همان‌گونه که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را [نیز] نیکو گردان.

۸۳- هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد (شکنجه می‌کند).

۸۴- «... چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این [همان] چیزی است که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند.»

### ۶- عبارت‌های زیر را بخوان و سپس ترجمه درست آن‌ها را مشخص کن.

۸۵- گزینَة «۲»؛ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر

۸۶- گزینَة «۱»؛ اَلسَّكِينَة: آرامش / مَعَ اِيمانٍ: همراه با ایمان

۸۷- گزینَة «۱»؛ اَلْفُسُوق: آلوده‌شدن به گناه

۸۸- گزینَة «۱»؛ هرگاه حرف «قَدْ» پیش از فعل مضارع بیاید، به

معنی «گاهی» است و اگر پیش از فعل ماضی بیاید، گاهی به معنی «قطعاً، حتماً» است، ولی معمولاً معادل «ماضی نقلی» در فارسی است.

۸۹- گزینَة «۲»؛ [چون پس از واژه «خَيْر» مضاف‌الیه آمده‌است، در چنین حالتی، معمولاً باید واژه «خَيْر» به صورت «صفت عالی» ترجمه شود.]

۹۰- گزینَة «۲»؛ [زیرا «أثْقَل» که بر وزن «أفْعَل» است، اسم تفضیل می‌باشد و به دلیل آمدن حرف جَرّ «مِن» پس از آن (چه بی‌فاصله و چه بافاصله)، باید به صورت «صفت تفضیلی» (صفت برتر) ترجمه شود.]

۹۱- گزینَة «۲»؛ [زیرا «أَحْسَن» که بر وزن «أفْعَل» است، اسم تفضیل می‌باشد و به دلیل داشتن مضاف‌الیه (یعنی خودش مضاف واقع شده)، معمولاً به صورت «صفت عالی» (صفت برترین) ترجمه می‌شود.]

۹۲- گزینَة «۲»؛ [زیرا در این آیه شریفه، «خَيْرٌ» و «أَبْقَى» صفت تفضیلی هستند و باید به صورت «صفت تفضیلی» (صفت برتر) ترجمه شوند نه صفت ساده.]

### ۷- جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.

۹۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی [از شما] قومی دیگر را مسخره کند.

📷 **یادآوری** فعل «لَا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند» فعل نهی غایب است که در درس ششم با این نوع از فعل نهی آشنا خواهید شد.

۹۴- از خودتان (از یکدیگر) عیب‌نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

۹۵- همان‌گونه - نیکو گردان

۹۶- بهترین - ارزان‌تر - می‌خواهم

۹۷- جنس‌ها (أجناس)

۹۸- چیره شود - بدتر

۹۹- بهتر - ماندگارتر (پایدارتر)

### ۸- افعال زیر را ترجمه کن.

۱۰۰- قَدْ أَحْسَنْتُ: نیکی کرده‌ام، «معادل ماضی نقلی، متکلم وحده»

#### نکته

[«قَدْ + فعل ماضی = ماضی نقلی در زبان فارسی»]

۱۰۱- أَحْسِنُوا: نیکی کنید، «فعل امر، جمع مذکر مخاطب»

۱۰۲- تُحْسِنِينَ: نیکی می‌کنی، «مضارع، مفرد مؤنث مخاطب»

۱۰۳- لَا تُحْسِنَا: نیکی نکنید، «نهی، مثنای مذکر یا مؤنث مخاطب»

۱۰۴- سَوْفَ يَنْكَسِرُونَ: شکسته خواهند شد، «مستقبل، جمع مذکر غایب»

۱۰۵- اِنْكَسِرْ: شکسته شو، «امر، مفرد مذکر مخاطب»

۱۰۶- قَدْ يَنْكَسِرُ: گاهی شکسته می‌شود، شاید شکسته شود، «مضارع، مفرد مذکر غایب»

#### نکته

[«قَدْ + فعل مضارع» = گاهی + مضارع اخباری / شاید + مضارع

التزامی]

۱۰۷- لَا تَنْكَسِرِي: شکسته نشو، «نهی، مفرد مؤنث مخاطب»

۱۰۸- اِفْتَرَبَا: نزدیک شدند، «ماضی، مثنای مذکر غایب»



## اسم تفضیل و اسم مکان

۱- اسم تفضیل: اسم تفضیل، مفهوم «برتری» دارد که معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است.

- الف) اسم تفضیل از نظر جنس
- ۱- مذکر: بر وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود؛ مانند: أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / «أَفْضَلُ» (بهتر، بهترین)
- ۲- مؤنث: بر وزن «فَعْلَى» به کار می‌رود؛ مانند: كُبْرَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / «فُضْلَى» (بهتر، بهترین)
- توجه:** «اسم تفضیل» در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث، معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود.

**مثال:** مَرِيْمٌ أَضْعَفُ مِنْ فَاطِمَةَ. مریم از فاطمه کوچک‌تر است.

اسم مؤنث اسم تفضیل اسم مؤنث

(بر وزن «أَفْعَل»)

### ب) جمع اسم تفضیل

معمولاً جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» بر وزن «أَفَاعِل» می‌آید؛ مانند: أَرْدَلُ / جمع / أَرَادِلُ / أَفْضَلُ / جمع / أَفَاضِلُ

- الف) صفت برتر: هرگاه پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِن» بیاید، اسم تفضیل به صورت «صفت برتر» ترجمه می‌شود.
- مثال:** الْمَحِيْطُ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ: اقیانوس از دریا بزرگ‌تر است.
- اسم تفضیل حرف جرّ صفت برتر
- ب) صفت برترین: هرگاه پس از اسم تفضیل، «مُضَافٌ إِلَيْهِ» بیاید، اسم تفضیل به صورت «صفت برترین» ترجمه می‌شود.
- مثال:** سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ: سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.
- اسم تفضیل مضاف‌إلیه صفت برترین

هرگاه پس از دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» که در اصل به معنای «خوب، خوبی» و «بد، بدی» هستند، حرف جرّ «مِن» یا «مُضَافٌ إِلَيْهِ» بیاید، در چنین حالتی معمولاً معنای اسم تفضیل خواهند داشت که در این صورت مانند حالت «ج» (اسم تفضیل از نظر ترجمه) ترجمه می‌شوند.

**مثال:** تَفَكَّرْ سَاعَةً حَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

اسم تفضیل حرف جرّ

**شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ: بدترین مردم کسی است که به امانت معتقد نباشد و از خیانت دوری نکند.**

اسم تفضیل مضاف‌إلیه

صفت برترین

۲- اسم مکان: اسم مکان بر «مکان» دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» به کار می‌رود؛ مانند: مَلْعَبٌ: ورزشگاه / مَطْبَخٌ: آشپزخانه / مَطْبَعَةٌ: چاپخانه

جمع اسم مکان، بر وزن «مَفَاعِلِ» است؛ مانند: مَلَاعِبُ: ورزشگاه‌ها / مَطَابِخُ: آشپزخانه‌ها / مَطَابِعُ: چاپخانه‌ها

## اسلوب شرط و ادوات آن

در زبان عربی، جملات شرطی از سه رکن تشکیل شده است:

۱- ادوات شرط: مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ: هر کس»، «مَا: هر چه»، «إِنْ: اگر»، «إِذَا: هرگاه، اگر».

این ادوات معمولاً بر سر عباراتی می‌آیند که دو فعل داشته باشند. («فعل شرط» و «جواب شرط»)

**مثال:** مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

ادوات شرط

۲- **فعل شرط**: به اولین فعل در جمله شرطی گفته می‌شود.

**مثال**: مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

فعل شرط

۳- **جواب شرط**: به دومین فعل یا دومین جمله در جمله شرطی گفته می‌شود.

**مثال**: مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

جواب شرط

### نکته

گاهی «جواب شرط» فعل نیست و به صورت «جمله اسمیه» به کار می‌رود که در این صورت قبل از «جمله اسمیه» (مبتدا)، حرف «ف» می‌آید که معمولاً نیازی به ترجمه شدن ندارد.

**مثال**: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.

ادات شرط فعل شرط جواب شرط (جمله اسمیه)

**روش ترجمه جملات شرطی**: در جملات شرطی، معمولاً «فعل شرط» (چه «ماضی» و چه «مضارع») به صورت «مضارع التزامی» و «جواب شرط» (چه «ماضی» و چه «مضارع») به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود.

**مثال**: مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيراً، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ: هر کس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

ادات شرط فعل شرط (مضارع) جواب شرط (مضارع) مضارع التزامی مضارع اخباری

إِذَا حَاوَلْتَ، نَجَحْتَ: هرگاه (اگر) تلاشی کنی، موفق می‌شوی.

فعل شرط (ماضی) جواب شرط (ماضی) فعل شرط (مضارع التزامی) جواب شرط (مضارع اخباری)

### نکته

ادوات شرط «مَنْ»، «مَا» و «إِنْ» آخر فعل‌های مضارع را تغییر می‌دهند (غیر از دو صیغه «جمع مؤنث»): یعنی: صَمَّةُ (ع) آخر فعل را به ساکن (ع) تبدیل می‌کنند و نون آخر فعل «ن» و «ن» را حذف می‌کنند.

۲ **يَجْتَهِدُونَ** + «إِنْ» ← **إِنْ يَجْتَهِدُوا** ...

۱ **يَجْتَهِدُ** + «إِنْ» ← **إِنْ يَجْتَهِدُ** ...

۳ **يَجْتَهِدُونَ** + «إِنْ» ← **إِنْ يَجْتَهِدُونَ** ... [جمع مؤنث ← بدون تغییر]

## ۳ معرفه و نکره

اسم معرفه، اسمی است که نزد گوینده و مخاطب شناخته شده است، ولی اسم نکره، ناشناخته است.

**الف) اسم معرفه**: اسم معرفه انواعی دارد، ولی با دو نوع آن آشنا می‌شویم:

۱- **اسم «ال» دار**: مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مانند: **الْكِتَابُ / الْكِتَابُ / الْكِتَابِ**

۲- **اسم خاص (عَلِمٌ)**: در زبان عربی به اسم‌های خاص (نام مخصوص کسی یا جایی)، «اسم عَلِمٌ» گفته می‌شود که گاهی «تنوین» می‌گیرند، ولی

نکره نیستند؛ مانند: **حُسَيْنٌ ← معرفه / حَسَنٌ ← معرفه / عَلِيٌّ ← معرفه**

**ب) اسم نکره**: معمولاً هرگاه اسمی تنوین (ع، هـ، ـ) بگیرد، نکره است (به غیر از اسم‌های خاص)؛ مانند: **كِتَابٌ ← نکره / كِتَابًا ← نکره / كِتَابٍ ← نکره**

**شیوه ترجمه اسم معرفه و نکره**: در زبان فارسی، اسم معرفه علامتی ندارد؛ بنابراین اسم‌های معرفه را بدون در نظر گرفتن «ال» در آن‌ها ترجمه می‌کنیم.

**مثال**: **الْكِتَابُ**: کتاب (معرفه) / **الطَّلَابُ**: دانش‌آموزان (معرفه) / **حُسَيْنٌ**: حسین (معرفه)

اما اسم‌های نکره در فارسی «علامت» دارند و به سه صورت نشان داده می‌شوند:

۱ اسم + ی **مثال**: کتاب + ی = کتابی (نکره)

۲ یک + اسم **مثال**: یک + کتاب = یک کتاب (نکره)

۳ یک + اسم + ی **مثال**: یک + کتاب + ی = یک کتابی (نکره)

بنابراین کلمه «شَارِخٌ» را که یک اسم «نکره» است، می‌توان به سه شکل ترجمه کرد: ۱ **خیابانی** ۲ **یک خیابان** ۳ **یک خیابانی**

### نکات

۱ هرگاه اسمی به صورت «نکره» بیاید و در ادامه، همان اسم همراه «ال» به کار رود، معمولاً «ال» آن اسم را به «این» یا «آن» ترجمه می‌کنیم.

**مثال**: **رَأَيْتُ طَالِباً. كَانَ الطَّالِبُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. دَانِشْ أَمُوزِي** را دیدم. **آن دانش آموز** در حیاط مدرسه بود.

نکره معرفه نکره ترجمه «ال»

۲ در جملات اسمیه، «خبر» معمولاً تنوین می‌گیرد (نکره می‌آید)، ولی ما آن را اغلب به صورت «معرفه» ترجمه می‌کنیم.

**مثال**: **الْعِلْمُ كَنْزٌ**: دانش، گنج است.

فیه (نکره) معرفه

## مشاوره شب امتحان

دوستان عزیز، سلام

امتحان پایانی نوبت اول عربی یازدهم مربوط به درس‌های اول تا پایان متن و درک مطلب درس چهارم است. سؤالات معمولاً به پنج گروه کلی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

### الف) مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره)

این گروه از سؤالات، معمولاً شامل چهار سؤال فرعی است:

- ۱- ترجمه کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است: این کلمات در قالب جمله یا عبارت آورده می‌شود. (۵/۵ نمره)
- ۲- نوشتن کلمات مترادف یا متضاد: در این نوع از سؤالات، چند کلمه داده می‌شود و از شما خواسته می‌شود که از میان آن‌ها، کلمات مترادف و متضاد را مشخص کرده و بنویسید. (۵/۵ نمره)
- ۳- نوشتن مفرد یا جمع کلمات: در این سؤال، دو کلمه داده می‌شود که در یکی جمع آن کلمه و در دیگری، مفرد آن از شما خواسته می‌شود. (۵/۵ نمره)
- ۴- مشخص کردن کلمه ناهماهنگ از نظر معنا: معمولاً دو ردیف چهار کلمه‌ای داده می‌شود که در هر ردیف، یک کلمه از نظر معنایی با سه کلمه دیگر ناهماهنگ است که باید آن‌ها را مشخص کنید. (۵/۵ نمره)

### ب) مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)

این گروه از سؤالات، معمولاً شامل سه سؤال فرعی است:

- ۱- ترجمه جملات: در این سؤال معمولاً ۵ جمله داده می‌شود و ترجمه آن‌ها از شما خواسته می‌شود. (۵ نمره)
- ۲- انتخاب ترجمه درست: در این سؤال معمولاً دو جمله دوگزینه‌ای داده می‌شود که شما براساس قواعد ترجمه، باید گزینه درست را انتخاب کنید. (۵/۵ نمره)
- ۳- کامل کردن جاهای خالی در ترجمه فارسی: در این سؤال معمولاً ۲ جمله به همراه ترجمه ناقص داده می‌شود که شما با توجه به جمله عربی، باید جاهای خالی در ترجمه را پر کرده و ترجمه را کامل نمایید. (۱/۵ نمره)

### ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)

در این گروه از سؤالات معمولاً از ترجمه افعال در جملات، تشخیص فعل مناسب برای جای خالی، ترجمه افعال مختلف، تشخیص فعل مناسب برای جای خالی، تشخیص اسم تفضیل و اسم مکان، تشخیص اسم‌های معرفه و نکره، تشخیص ارکان جملات شرطی (ادات شرط، فعل شرط و جواب شرط) و بیان محل اعرابی (نقش) کلمات، تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول یا اسم مبالغه و اعداد، سؤال طراحي می‌شود.

### د) مهارت درک و فهم (۳ نمره)

در این گروه از سؤالات، معمولاً دو گونه سؤال می‌تواند طراحي شود:

- ۱- چند «کلمه» در سمت راست صفحه و چند «جمله» نیز در سمت چپ آن داده می‌شود و از شما می‌خواهند که هر کلمه از سمت راست را با جمله مرتبط با آن در سمت چپ صفحه مشخص کنید. (معمولاً یک یا دو کلمه اضافی خواهد بود). (۱/۵ نمره)
- ۲- یک متن کوتاه داده می‌شود و سپس حدود ۶ - ۵ سؤال از همان متن طراحي شده و از شما خواسته می‌شود که آن سؤالات به زبان عربی پاسخ دهید. (۱/۵ نمره)

**توجه:** البته ممکن است به جای دو سؤال فوق، اولاً: چند کلمه عربی داده شود و سپس حدود ۶ جمله بیاید که هر کدام یک جای خالی دارند و از شما خواسته شود که جای خالی را با کلمات داده شده پر کنید که معمولاً دو کلمه اضافی است. (۱/۵ نمره)  
ثانیاً: چند جمله به شما داده شود (معمولاً ۶ جمله) و از شما خواسته شود که براساس واقعیت و حقیقت، جمله درست را با علامت «✓» و جمله نادرست را با علامت «x» مشخص کنید. (۱/۵ نمره)

### ه) مهارت مکالمه (۵/۵ نمره)

این گروه از سؤالات نیز معمولاً از دو سؤال فرعی تشکیل شده است:

- ۱- به سؤالات زیر پاسخ دهید: در این سؤال معمولاً دو سؤال که با کلمات پرسشی آغاز شده است، داده می‌شود و شما باید با توجه به «کلمه پرسشی» به سؤالات پاسخ دهید. (۲/۵ نمره)
- ۲- کلمات نامرتب را مرتب کنید: در این سؤال نیز چند کلمه به شما داده می‌شود و از شما خواسته می‌شود که آن‌ها را به گونه‌ای مرتب کنید که یک جمله کامل و معناداری ساخته شود. (۲/۵ نمره)

توجه داشته باشید که این سؤالات می‌تواند از متون کتاب درسی و یا از بخش «جوارات» کتاب درسی داده شود.

**توجه:** سؤالات امتحان پایانی نوبت دوم از نظر نوع سؤالات و بارمبندی، دقیقاً همانند سؤالات پایانی نوبت اول است؛ با این تفاوت که سؤالات از کل کتاب طراحي می‌شود و معمولاً از دروس پنجم، ششم و هفتم سؤالات بیشتری طراحي می‌شود.

| نمونه امتحان نیم سال اول                       |   | رشته: عمومی          | عربی ۲                 |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
|--|---|----------------------|------------------------|-------------------|-------------|-------------------|---------|-------------|---------|--------|-----------|-----------|-----------|---------|-------------|-----------|--------|-----------|--------|-----------|-----------|--------|-------------|--------|-----------|-----------|--|---|
| ردیف   | امتحان شماره ①  | مدت امتحان: ۷۰ دقیقه | kheilisabz.com<br>نمره |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| الف) مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)                |   |                      |                        |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۱  | تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا.<br>الف) زَبِّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ.<br>ب) تَنُمُو تِلْكَ الْجَوْزَةَ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.   |                      | ۰/۵                    |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۲  | أَكْتُبِ الْمُفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْكَلِمَتَيْنِ.<br>الف) جُزْرًا: .....<br>ب) ظَاهِرَةً: .....   |                      | ۰/۵                    |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۳  | عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.<br>الف) ذُنْبٌ      كَلْبٌ      عُرَابٌ      أُرْزَقُ<br>ب) أَزْرَقُ      أَحْضَرُ      أَكْرَمُ      دَنْبٌ      أَحْمَرُ   |                      | ۰/۵                    |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۴  | أَكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتْرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كَلِمَتَانِ إِثْنَتَانِ زَائِدَتَانِ).<br>فُسُوقٌ - عَسَى - حَفِيٌّ - زَيْمًا - ظَاهِرٌ - عَجَبٌ<br>الف) ..... = .....<br>ب) ..... ≠ .....   |                      | ۰/۵                    |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ب) مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)             |   |                      |                        |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۵  | كَمَلْ تَرْجِمَةَ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ.<br>الف) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.<br>ب) عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ.<br>ج) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنُمُو فِي بَعْضِ الْعَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. درختِ خفه‌کننده، درختی است که در برخی ..... استوایی .....<br>.....  |                      | ۱/۵                    |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۶  | عَيِّنِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.<br>الف) يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا.      ① نوع آن یافت می‌شود.      ② نوعی از آن‌ها یافت می‌شود.<br>ب) لُبُّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ.      ① مغزی از این میوه‌ها      ② مغز این میوه‌ها   |                      | ۰/۵                    |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۷  | تَرْجِمِ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ.<br>الف) لَا تَعْيَبُوا بِالْآخِرِينَ وَلَا تَلْقَبُواهُمْ.<br>ب) أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.<br>ج) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.<br>د) أَلْتَعَنْتُ طَرِحَ سُؤَالٍ صَعْبٍ يَهْدِي إِجَادَ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ.<br>هـ) ﴿و يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾<br>ز) تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.  |                      | ۵                      |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره) |   |                      |                        |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۸  | عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.<br><table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <thead> <tr> <th>الْفِعْلُ الْمَاضِي</th> <th>الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ</th> <th>فِعْلُ الْأَمْرِ</th> <th>الْمَصْدَرُ</th> <th>إِسْمُ الْفَاعِلِ</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>حَافِظٌ</td> <td>يَتَحَافَظُ</td> <td>حَافِظُ</td> <td>حِفْظٌ</td> <td>مُحَافِظٌ</td> </tr> <tr> <td>حَافِظَةٌ</td> <td>يُحَافِظُ</td> <td>حَفِيفٌ</td> <td>مُحَافَظَةٌ</td> <td>مُحَافِظٌ</td> </tr> <tr> <td>سَبَبٌ</td> <td>يُسَبِّبُ</td> <td>سَبَبٌ</td> <td>تَسْبِيبٌ</td> <td>مُسَابِبٌ</td> </tr> <tr> <td>سَبَبٌ</td> <td>تَسَبَّبَتْ</td> <td>سَبَبٌ</td> <td>أَسْبَابٌ</td> <td>مُسَبَّبٌ</td> </tr> </tbody> </table> | الْفِعْلُ الْمَاضِي  | الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ | فِعْلُ الْأَمْرِ  | الْمَصْدَرُ | إِسْمُ الْفَاعِلِ | حَافِظٌ | يَتَحَافَظُ | حَافِظُ | حِفْظٌ | مُحَافِظٌ | حَافِظَةٌ | يُحَافِظُ | حَفِيفٌ | مُحَافَظَةٌ | مُحَافِظٌ | سَبَبٌ | يُسَبِّبُ | سَبَبٌ | تَسْبِيبٌ | مُسَابِبٌ | سَبَبٌ | تَسَبَّبَتْ | سَبَبٌ | أَسْبَابٌ | مُسَبَّبٌ |  | ۲ |
| الْفِعْلُ الْمَاضِي                            | الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ  | فِعْلُ الْأَمْرِ     | الْمَصْدَرُ            | إِسْمُ الْفَاعِلِ |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| حَافِظٌ  | يَتَحَافَظُ   | حَافِظُ              | حِفْظٌ                 | مُحَافِظٌ         |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| حَافِظَةٌ                                      | يُحَافِظُ   | حَفِيفٌ              | مُحَافَظَةٌ            | مُحَافِظٌ         |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| سَبَبٌ   | يُسَبِّبُ   | سَبَبٌ               | تَسْبِيبٌ              | مُسَابِبٌ         |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| سَبَبٌ   | تَسَبَّبَتْ   | سَبَبٌ               | أَسْبَابٌ              | مُسَبَّبٌ         |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |
| ۹  | عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.<br>الف) إِسْمُ الْمَكَانِ:      مَشْرِقٌ      مَشَاهِدَةٌ      أَكْمَلُ<br>ب) الْإِسْمُ النَّكِرَةُ:      الْكِتَابِ      مَحَمَّدٌ      شَجَرَةٌ  |                      | ۱                      |                   |             |                   |         |             |         |        |           |           |           |         |             |           |        |           |        |           |           |        |             |        |           |           |  |   |

|                               |      |  |   |
|-------------------------------|------|--|---|
|                               |      | <input type="checkbox"/> إِنْ <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> إِنْ<br><input type="checkbox"/> أَمْي <input type="checkbox"/> أَبْيَضَ <input type="checkbox"/> أَرْزَقَ  | (ج) أداة الشرط:<br>(د) اسم التفضيل:   |
| ١٠                            | ١/٥  | تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.<br>(الف) كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ: .....<br>(ب) سَتَرَجَعُ: .....<br>(ج) افْتَحَنْ: .....<br>(د) لَا يُشَاهِدُونَ: .....<br>(هـ) لَا تَضْرِبِي: .....<br>(و) عَوَّدُوا: .....  |   |
| ١١                            | ٠/٧٥ | عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنَابِسُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ.<br>(الف) لَا تَلْمِزُونَ      لا تَنَابَرُوا<br>(ب) أَكَلْتُمْ      سَمَّيْنَا<br>(ج) أَذْكَرُوا      حَرَّمْ<br>لا يَسْخَرُونَ      يُحِبُّ<br>لا نَعْتَابُ      تَجَسَّسَ<br>قَالُ      لَمَزْتُ  |   |
| ١٢                            | ١    | عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.<br>أَحَبُّ هَذِهِ الْأُمُورِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ خَيْرَهَا أَوْسَطُهَا.   |   |
| ١٣                            | ١/٢٥ | عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ.<br>(الف) جَمَالَ الْعِلْمِ نَشْرُهُ.<br>(ب) عَلَيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.<br>(ج) «... يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ»<br>(د) طُوبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ.   |   |
| (د) مهارة درك و فهم (سه نمره) |      |  |   |
| ١٤                            | ١/٥  | ضَعِ فِي الْمَرْبَعِ الْحَرْفَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَتَانِ اثْنَتَانِ زَائِدَتَانِ).<br>(الف) آسِيَا <input type="checkbox"/> الَّذِي لَيْسَ حَيًّا.<br>(ب) أَلْمَيْتُ <input type="checkbox"/> هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.<br>(ج) أَلْغَيْبَةُ <input type="checkbox"/> قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.<br>(د) أُوْرُوْبَا <input type="checkbox"/> أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ.<br>(هـ) أَلْبَقْعَةُ <input type="checkbox"/> الَّذِي يُحْرَبُ نَظْمُ الصَّفِّ.<br>(و) أَلْحِصَّةُ <input type="checkbox"/> الْوَقْتُ الَّذِي يَمُرُّ فِي الصَّفِّ لِلْمُعَلِّمِ وَ الْمُتَعَلِّمِ.<br>(ز) أَلْمُشَاغِبُ<br>(ح) أَلْفُسُوقُ |   |
| ١٥                            | ٠/٧٥ | اجْعَلْ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).<br>(الف) رَأَيْتُ وَوَلَدًا ..... بِسُرْعَةٍ.<br>(ب) «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ ..... هُمْ»<br>(ج) الْأَسْعَازُ ..... جِدًّا.   | إيمان - لا يُسْمَعُ - يَمْشِي - غَالِيَةٌ   |
| ١٦                            | ٠/٧٥ | عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.<br>(الف) أَلْسَعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ أَمْرٌ قَبِيحٌ.<br>(ب) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خُوزِسْتَانِ.<br>(ج) ثَمَانِيَّةٌ فِي أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَ ثَلَاثِينَ.  | درست      نادرست<br><input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/><br><input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/><br><input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> |
| (هـ) مهارة مكالمه (نيم نمره)  |      |  |   |
| ١٧                            | ٠/٢٥ | رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ حَتَّى تَصِيرَ جُمْلَةً صَحِيحَةً:<br>«يُسَجَّلُ - النَّهَائِي - مَنْ - هَدَفًا - إِلَى - يَذْهَبُ»  |   |
| ١٨                            | ٠/٢٥ | أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ.<br>مَاذَا يَغْرِسُ الْمَزَارِعَ؟  |   |
|                               | ٢٠   | جمع نمرات  |   |

۱- کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، ترجمه کن.

(الف) چه بسا سخنی که مانند شمشیر، [برنده] است.

(ب) آن دانه رشد می‌کند و [یک] درخت می‌شود.

۲- مفرد یا جمع دو کلمه را بنویس.

(الف) جُزْر ← جزیره (مفرد)

(ب) ظَاهِرَة ← ظواهر (جمع) (پدیده‌ها)

۳- کلمه بیگانه (نامأنوس) در معنا را مشخص کن.

(الف)  گراگ  سگ  دُم  کلاغ

واژه‌های «دُثْب، کَلْب، غُرَاب» بر نام حیوان دلالت می‌کنند، ولی واژه «دَثْب: دُم» این چنین نیست.

(ب)  آبی  سبز

قرمز (سُرخ)  گرمی‌تر، گرمی‌ترین

سه واژه «أَزْرَق، أَحْضَر و أَحْمَر» بر رنگ دلالت می‌کنند، ولی «أَكْرَم» این گونه نیست (اسم تفضیل است).

۴- در جای خالی، دو کلمه مترادف و دو کلمه متضاد بنویس.

آلوده‌شدن به گناه - شاید، امید است - پنهان -  
شاید - آشکار - خودپسندی

(الف) عَسَى = زَيْمًا (ب) خَفِيَ ≠ ظَاهِر

۵- ترجمه این عبارتها را تکمیل کن.

(الف) بدترین مردم - اعتقاد نداشته باشد

(ب) دانشی - سخن بگوید (ج) جنگل‌های - رشد می‌کند

۶- ترجمه درست را براساس قواعد معرفه و نکره مشخص کن.

(الف) گزینۀ «۲»:

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا: نوعی از آن‌ها یافت می‌شود.  
فعل مضارع مجهول اسم نکره اسم نکره فعل مضارع مجهول

(ب) گزینۀ «۲»: لُبُّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ: مغز این میوه‌ها

**توجه** در ترکیب فوق، چون واژه «لُبُّ» مضاف است و به اسم اشاره «هَذِهِ» اضافه شده است، به صورت «مغز...» ترجمه می‌شود نه به صورت «مغزی...» (نکره). ضمناً حرف اضافه «از» نیز معادلی در جمله عربی ندارد. (مِنْ: از)

۷- این عبارتها را ترجمه کن.

(الف) از دیگران عیب‌جویی نکنید و به آن‌ها لقب [زشت] ندهید.

(ب) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید.

(ج) دشمنی انسان دانا از دوستی انسان نادان بهتر است.

(د) مَجْ‌گیری، طرح یک سؤال سخت با هدف ایجاد زحمت برای پرسش‌شونده (مورد سؤال) است.

(ه) و ای آدم، تو و همسرت در بهشت ساکن شوید.

(و) گاهی قطر درخت سبکویا به ۴ متر می‌رسد.

(ز) سخن بگویند تا شناخته شوید، زیرا آدمی (انسان) در زیر زبان خود پنهان است.

۸- کلمه درست را براساس فعل ماضی مشخص کن.

حَافِظٌ (ماضی) - يُحَافِظُ (مضارع) - حَافِظٌ (امر) - مُحَافِظَةٌ (مصدر) -  
مُحَافِظٌ (اسم فاعل)

سَبَّبَ (ماضی) - يُسَبِّبُ (مضارع) - سَبَّبَ (امر) - تَسْبِيبٌ (مصدر) -  
مُسَبِّبٌ (اسم فاعل)

۹- مواردی را که از تو خواسته شده، مشخص کن.

(الف) اسم مکان

اسم مکان  مصدر  اسم تفضیل

(ب) اسم نکره

مُعَرَّفٌ به آل (معرفه)  اسم عَلَمٌ (اسم خاص)  اسم نکره

(ج) ادات شرط

ادات شرط نیست.  ادات شرط نیست.  ادات شرط

(د) اسم تفضیل

امر  اسم تفضیل

۱۰- فعل‌های زیر را ترجمه کن.

(الف) می‌نوشتید (ماضی استمراری)

(ب) باز خواهیم گشت (مستقبل)

(ج) باز کنید (امر، جمع مؤنث مخاطب)

(د) نمی‌بینند (مضارع منفی، جمع مذکر غایب)

(ه) زن (نهی، مفرد مؤنث مخاطب)

(و) عادت بدهید (امر، جمع مذکر مخاطب)

۱۱- فعلی را که در نوع با فعل‌های دیگر هماهنگی ندارد، مشخص کن.

(الف)

مضارع منفی  نهی

مضارع منفی  مضارع منفی

(ب)

ماضی  ماضی

مضارع  ماضی

(ج)

امر  امر

امر  ماضی

۱۲- اسم تفضیل را در عبارت زیر مشخص کن، سپس آن را به فارسی

ترجمه کن.

خَيْرٌ ... : بهترین ... / أَوْسَطُ ... : میانه‌ترین ...

۱۳- نقش کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، مشخص کن.

(الف) «جَمَالٌ»: مبتدا / نَشْرٌ: خبر

(ج) الْحَيِّ: مفعول / الْمَيِّتِ: مجرور به حرف جرّ

(ب) اللَّهُ: مضاف‌الیه

(د) النَّاسُ: فاعل

۱۴- در مرتب، حرف مناسب را قرار بده. (دو کلمه، اضافی است.)

(الف) آسیا / أَكْثَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ. (آسیا است. / بزرگ‌ترین قاره در جهان است.)



|      | عربی           | رشته: عمومی   | نمونه امتحان نیم سال دوم<br>نهای خرداد ۱۴۰۲ - نوبت صبح |
|------|----------------|---|--|
| نمره | kheilisabz.com | مدت امتحان: ۷۰ دقیقه  | امتحان شماره ۵   |
| الف  | ۰/۵            | تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:<br>۱- لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اِحْتِياطِيٌّ وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةٌ تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ. ۲- مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ مُفْرَدَاتٌ كَالْمِسْكِ وَ الدِّبَاجِ.  |  |
| ب    | ۰/۵            | اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ فَارْتَبِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ:<br>«كَانَ يَبْسُطُ طَلَبٌ مَشَاغِبٌ وَ فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى يَلْتَفِتُ مَرَّةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَهُ وَ فِي الْامْتِحَانِ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ أَمَامَهُ.»<br>۳- ..... = .....<br>۴- ..... ≠ .....  |  |
| ج    | ۰/۵            | عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:<br>۵- <input type="checkbox"/> الْقَرْيَةُ <input type="checkbox"/> الْمَدِينَةُ<br>۶- <input type="checkbox"/> أَحْسَنُ <input type="checkbox"/> أَجْمَلُ<br><input type="checkbox"/> الشَّهْرُ <input type="checkbox"/> الْبِلَادُ<br><input type="checkbox"/> أَصْلَحُ <input type="checkbox"/> أَحْمَرُ  |  |
| د    | ۰/۵            | اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ:<br>۷- اَلْعِنَبُ الْبِرَازِيلِيُّ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جِدْعِهَا فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. جِدْعُ (.....) الْغَابَاتِ (.....)   |  |
| هـ   | ۵              | تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ:<br>۸- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.<br>۹- طوبى لمن لا يخاف الناس من لسانه.<br>۱۰- هل تضمن أن يجيب أصدقاؤك مثل إجابتك؟<br>۱۱- لا يسبب اشتعال زيوت شجرة النفط خروج أي غازات ملوثة.<br>۱۲- أشارت شيميل في إحدى مقابلاتها إلى الأدعية الإسلامية. ۱۳- قم عن مجلسك لأبيك و معلمك و إن كنت أميراً.<br>۱۴- كان تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام.   |  |
| و    | ۰/۵            | اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:<br>۱۵- ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾<br><input type="checkbox"/> الف) از آسمان آبی فرورفتاد و زمین سرسبز می شود. <input type="checkbox"/> ب) از آسمان آبی فرورفتاد و زمین سرسبز شد.<br>۱۶- مَا فَعَلْتُ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتُهَا دَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.<br><input type="checkbox"/> الف) هر آن چه از کارهای نیک انجام دادی، آن را اندوخته ای برای آخرت خواهی یافت.<br><input type="checkbox"/> ب) هر چه از کارهای نیک انجام بدهی، آن ها را اندوخته ای برای آخرت می یابی. |  |
| ز    | ۱/۵            | كَمَّلِ الْفَرَاغَ بِالَّتَرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:<br>﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾<br>۱۷- هرگز به نیکی ..... مگر از آن چه که ..... انفاق کنیدی.<br>اِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلشَّفَرِ وَ شَرِيحَةً وَ بَطَّارِيَّةً لِجَوَالِي.<br>۱۸- برای سفر ..... و برای تلفن همراهم ..... و باتری خریدم.<br>اِسْتَلِمَ الْأَدْوِيَّةَ فِي الصَّبَدَلِيَّةِ الَّتِي فِي نَهَائِهِ مَمَرٌ الْمُسْتَوْصَفِ.<br>۱۹- داروها را از ..... که در انتهای ..... درمانگاه است، دریافت کن.  |  |
| ح    | ۱              | تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:<br>۲۰- جَاءَ أَحَدٌ مُهَاجِمِي فَرِيْقِ الصَّدَاقَةِ، سَبَسَجُلٌ هَدَفًا.<br>۲۱- يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ.<br>۲۲- لِنَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ.<br>۲۳- قَدْ كَتَبَ عَلَى اللُّوحِ.   |  |
| ط    | ۰/۵            | عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: (الماضي، المضارع، الأمر، النهي)<br>۲۴- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ.   |  |
| ی    | ۰/۵            | ۲۵- عَيِّنِ فِعْلًا يُعَادِلُ الْمُسْتَقْبَلَ الْمَنْفِيَّ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ:<br><input type="checkbox"/> لَا تَجْلِسُوا <input type="checkbox"/> لَنْ يَجْلِسَ<br><input type="checkbox"/> لَمْ يَجْلِسْ <input type="checkbox"/> لَيَجْلِسُ<br>۲۶- عَيِّنِ فِعْلًا يُعَادِلُ الْمَاضِيَ الْمَنْفِيَّ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ:<br><input type="checkbox"/> لَا يُجَادِلُهُمْ <input type="checkbox"/> لَا تَكْتُبُ<br><input type="checkbox"/> لَمْ تَذْهَبُوا <input type="checkbox"/> لِنَتَوَكَّلْ                                  |  |
| ک    | ۰/۵            | عَيِّنِ نَوْعَ الْأَسْمَاءِ: (اسم المبالغة و اسم المكان)<br>۲۷- ذَهَبْنَا فِي الْأَسْبُوعِ الْمَاضِي إِلَى مَعْبَدِ كَرْدُكَلَا فِي مُحَافَظَةِ مَارَنْدَرَانِ بِالسِّيَّارَةِ.   |  |

|   |      |   |
|---|------|---|
| ل | ۰/۵  | اجعل في الفراغ العدد الأصلي أو الترتيبي:<br>٢٨- اليوم ..... من الأسبوع يوم الثلاثاء.<br>٢٩- مئتان تقسيم على اثنين يساوي .....   |
| م | ۰/۵  | أكمل تزجمة هذه الجملة حسب القواعد التي قرأتها حول الجملة بعد النكرة:<br>٣٠- أفش عن معجم يساعدي في فهم النصوص. دنبال فرهنگ لغتي می گردم .....  |
| ن | ۱    | انتخب الجواب الصحيح حسب القواعد التي قرأتها:<br>٣١- ﴿فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا﴾ (تا داوری کند - باید داوری کند - داوری خواهد کرد)<br>٣٢- لا تظلم كما لا تحب أن تظلم. (ستم نکن - ستم نکنید - ستم نمی کنی)<br>٣٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا .....﴾ (تفعلوا - لا تفعلوا - لا تفعلون)<br>٣٤- هو ..... إلى الملعب غداً. (ما رجع - لم يرجع - لن يرجع)   |
| س | ۱    | ترجم هاتين العبارتين حسب القواعد التي قرأتها:<br>٣٥- ﴿عَسَىٰ أَنْ تُحِبَّوْا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾<br>٣٦- ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾  |
| ع | ۱    | ترجم هاتين الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة:<br>٣٧- كانوا يكتبون رسائل.<br>٣٨- كنت ساكتاً و ما قلت كلمة.   |
| ف | ۱    | عين المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط:<br>٣٩- العالم حي وإن كان ميتاً.<br>٤٠- شاهدنا سنجاباً يفتيز من شجرة إلى شجرة.   |
| ص | ۱    | عين الصحيح والخطأ:<br>٤١- المشاغب: ترك أمر الله، و ارتكاب المعاصي!<br>٤٢- الفاموس: الكتاب الذي يشتمل على معنى و شرح المفردات!<br>٤٣- التبجيل: هو أن تقوم بتكريم شخص و تعظيمه!<br>٤٤- المستشرق: الذي يعيش في الشرق و يحب الثقافة الشرقية!  |
| ق | ۰/۵  | عين العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية:<br>٤٥- أكلتم تمرى و عصيتم أمري. (الف) هر چه پیش آید خوش آید. (ب) نمک خورد و نمکدان شکست.<br>٤٦- خير الأمور أوسطها. (الف) کم گوی و گزیده گوی چون دُر (ب) اندازه نگه دار که اندازه نکوست.  |
| ر | ۰/۵  | عين الصحيح والخطأ حسب الحقيقة:<br>٤٧- تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي.<br>٤٨- السعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل.  |
| ش | ۱    | اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة التالية:<br>إن شجرة الرمان من الأشجار المعمرة، موطنها الأصلي إيران و منها إنتشرت في بلدان أخرى. يصل ارتفاعها إلى ستة أمتار و قد تعمُر إلى خمسين سنة و في الخريف تعطي ثمرتها و تسقط أوراقها و جاء ذكرها في القرآن الكريم ثلاث مرات. تبدأ بالإثمار في السنة الثالثة و لكن أعلى محصولها في السنة العاشرة. و أجد أنواع الرمان في اليمن ثم إسبانيا و الهند. و يساعد الرمان في العلاج و الوقاية من الأمراض السرطانية.<br>٤٩- متى تعطي هذه الشجرة ثمرتها الأولى؟<br>٥٠- ما هي فوائد طيبة للرمان؟<br>عين الصحيح والخطأ:<br>٥١- يبلغ طول هذه الشجرة إلى ستين متراً؟<br>أكمل الفراغ:<br>٥٢- أفضل أنواع الرمان، الرمان .....!<br>الإيراني <input type="checkbox"/> اليمنى <input type="checkbox"/> الإسباني <input type="checkbox"/> |
| ت | ۰/۲۵ | أجب عن السؤال التالي:<br>٥٣- في أي بلاد تقع هذه الأهرام؟ .....  |
| ث | ۰/۲۵ | ٥٤- رتب الكلمات و اكتب سؤالاً صحيحاً:<br>كم - الرجالي - سعر - هذا - القميص<br>.....؟ ستون ألف تومان.  |
|   | ۲۰   | جمع نمرات   |

